

بخش سوم

فصل سوم

دکتر فاطمی نماینده مردم تهران در مجلس هفدهم و در سمت وزیر امور خارجه

روز ۱۲ فروردین سال ۱۳۳۱ در حالیکه دکتر حسین فاطمی در بیمارستان نجمیه تهران تحت نظر پزشکان مداوا می شد، فرماندار تهران آقای مفتاح به بیمارستان آمد و اعتبارنامه نمایندگی مجلس شورای ملی از تهران را به وی تسلیم کرد. وی در جواب گفت: «از امروز وظیفه ای که هموطنان عزیز به من محول داشته اند سنگین تر و دشوارتر است مع الوصف اطمینان می دهم در راه خدمت به میهن گرامی خود ایران و هموطنان عزیز مانند گذشته لحظه ای غافل ننشینیم و در راه سربلندی و عظمت ایران از هر نوع فداکاری مضایقه نخواهم داشت.

دکتر حسین فاطمی پس از سفر کوتاهی به خارج جهت ادامه معالجات در

هفته اول مهر ماه ۱۳۳۱ به وطن بازگشت و از طرف دکتر مصدق به سمت وزیر امور خارجه برگزیده شده. و در همین ماه بود که رسماً قطع روابط با انگلستان از طرف دولت ایران اعلام شد. دکتر حسین فاطمی در سمت وزیر امور خارجه با جدیت فراوان در کنار مصدق بود، وی بابر خورداری ازدیدگاه سیاسی روشن و جهان‌بینی ژرف خود در تمام دوران نهضت ملی نشان داد که در هر شرائطی می‌توان فعالیت کرد و در راه مردم قدم برداشت و این انسان است که محیط را می‌سازد نه محیط انسان را. دیدگاه و برداشت‌های دکتر فاطمی را بطور خلاصه در زیر منعکس کرده تا به طرز تفکر و زاویه دید وی در مسائل مختلف آشنائی بیشتری پیدا کنیم برای این منظور از قسمتی از کتاب (ایران در دوران مصدق) که به نقش دکتر فاطمی و نظرات و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی وی پرداخته، کمک می‌گیریم:

«در میان یاران نزدیک مصدق، تعداد صاحبان نفوذ»
 «بسیار بود، اما شخصیت دکتر حسین فاطمی معاون نخست -»
 «وزیر، سخنگوی دولت و بعداً وزیر خارجه، متمایز از دیگران»
 «بود. صاحب نفوذی که صدایش پس از کودتای ۲۸ مرداد برای»
 «همیشه خاموش شد. در چشم اغلب ناظران داخلی و خارجی،»
 «دکتر فاطمی مورد اعتمادترین یار دکتر مصدق بود. فاطمی»
 «نه تنها با کمال وفاداری به مصدق خدمت کرد و زندگی خود»
 «را به خاطر هدف حکومت ملی، به مخاطره انداخت، بلکه همه»
 «تلاش‌های شاه که را می‌کوشید در لحظاتی که سیاستمدار پیر»
 «[مصدق] به کمک‌های فاطمی نیاز شدیدی داشت او را از مصدق»
 «دور سازد، بی‌جواب گذارد. کوتاه‌زمانی پس از واقعه نهم اسفند»
 «۱۳۳۱، عوامل متعدد [و حتی شاه]، بالاترین نشان سلطنتی»
 «[نشان درجه یک همایون] را به او داد. حسین علاء (وزیر دربار)»

«به فاطمی قول داد که در يك حکومت پس از مصدق، فاطمی»
 «می تواند بر روی داشتن بالاترین مقام حساب کند زیرا جبهه»
 «ملی به خون جوانتری در رگ های خود نیاز دارد. اما هیچ»
 «يك از این تلاش ها نتوانست تزلزلی در پیوند شخصی و وفاداری»
 «سیاسی وی به دکتر مصدق، پدید آورد. مصدق به خاطر علاقه»
 «زیادی که به دکتر فاطمی داشت او را «پسر سوم خود»
 «می دانست.»

بینش و دیدگاه سیاسی دکتر حسین فاطمی از اوضاع داخلی و بین المللی

«برداشت کلی دکتر فاطمی از اوضاع داخلی و بین المللی ایران در شش ماهه آخر حکومت مصدق به نحوی بود که یانشانگر نظرات دکتر مصدق بود یادست کم، تحت تأثیر عقاید او قرار داشت [در زیر مصاحبه ای که نگارنده کتاب مزبور در سوم مرداد ۱۳۳۲ در لاهه با دکتر فاطمی بعمل آورده بدنبال می آید]. سوالات و مسائل بصورت ذیل مطرح شد:

۱- وحدت و همبستگی «جبهه ملی» به گونه تغییر ناپذیری کاهش یافته و اختلافات شخصی و سیاسی میان دکتر مصدق و همکاران برجسته سابق او، نظیر کاشانی و دکتر بقائی و حسین مکی به مرز آشتی ناپذیری رسیده است.

۲- تلاش های حزب توده در «جهت افراطی کردن» نهضت ملی از دو جهت به حکومت زیان رسانده است:

از يك جهت به تدریج برخی از اعضای جوان و تحصیل کرده گروه های طبقه متوسط و پائین، قانع شده اند که درخواست های حزب توده در مورد قطع کامل روابط با آمریکا، و همزمان با آن محکوم کردن محاشات حکومت دربار دسیسه گر درست است و باید آنرا پذیرفت، از سوی دیگر، درخواست های حزب توده سبب گردیده

که گروه‌های محافظه‌کار سنتی در بازار و روحانیت دچار هراس شوند و به فکر پیدا کردن جانشینی برای مصدق بر آیند.

مخالفتان تازه دکتر مصدق نظیر آیت‌الله کاشانی و دکتر بقائی، کوشیدند تا دکتر فاطمی را به سوی خود بکشانند.
- شاه در ماه آوریل ۱۳۳۱ - .

«۳ - تحریم صادرات نفت ایران و ملاً محاصره»
«اقتصادی ایران [توسط انگلستان] به اندازه‌ای خزانه کشور»
«را از ارز تهی کرده است که حتی دانشجویان جان سخت»
«جبهه ملی و چپ‌گرا در خارج از کشور از نرسیدن ارز گلایه»
«سرداده‌اند. فروش مختصر نفت به چند کشور اروپائی (که در»
«شمار شرکت‌های بزرگ نفتی نبودند) نتوانسته است از نیاز»
«مبرم دولت به ارز خارجی بکاهد» «سیاست اقتصاد بدون نفت»
«ایران» به مثابه جانشینی برای سیاست صادراتی نفت نیازمند»
«برنامه‌ریزی اقتصادی دقیق بود، که بنوبه خود، فقط می‌توانست»
«در شرائط سیاسی به مراتب آرام‌تری پیاده شود.

«۴ - مقابله مشترک انگلیس - آمریکا با ایران به تیرگی»
«روابط ایران با غرب انجامید و حکومت جبهه ملی را ناگزیر»
«ساخت تا اذعان نماید که با تعیین اولویت و تاکتیک‌های سیاست»
«خارجی خود، عملاً خود را از جهان غرب دور ساخته است.»
«هشدارهای پی در پی و اشتباه‌آمیز درباره آنچه که در چشم»
«آمریکا به صورت خطر مبرم قبضه قدرت به وسیله حزب توده»
«شناخته می‌شد، به صورت يك عامل ثابت در سیاست خارجی»
«آمریکا نسبت به ایران در آمده است.»

«۵- تلاش‌های شاه برای تجمع مخالفان مصدق، و»
 «و قانع کردن آمریکا و انگلستان به این که عقل سلیم ایجاب»
 «می‌نماید جانشینی برای حکومت دکتر مصدق پیدا شود، از»
 «کامیابی چشم‌گیری برخوردار شده و باید آن‌طور جدی مورد»
 «بررسی قرار داد.»

«پاسخ دکتر فاطمی به این نکات صریح و قاطعانه بود:»
 «عقیده‌ی درباره‌ی انشعاب رهبران برجسته جبهه ملی»
 «از آن، این بود که جدا شدن آنان سبب تحکیم حکومت ملی»
 «می‌شود، چرا که اغلب آنان افراد فرصت‌طلبی هستند که به»
 «خاطر منافع شخصی و سیاسی به مصدق پیوسته بودند.»
 «دو نکته دیگر نیز بیان شد که نام دکتر مصدق را»
 «به میان آورد: یکی این بود که مردم ایران در هنگام رویارویی»
 «با يك خطر خارجی به صورت مداخله خارجی با فعالیت‌های»
 «نیروهای داخلی سرسپرده آنان، خون وطن دوستی‌شان به جوش»
 «می‌آید.»

«نکته دیگر، عبارت بود از اعتقاد راسخ دکتر فاطمی»
 «به این موضوع که غرب عمداً خطر حزب توده را بزرگ جلوه»
 «می‌دهد تا گروه‌های محافظه کار ایران را ترسانده، و به این ترتیب،»
 «در موقع مناسب، از این ترس برای مداخله خود در سیاست»
 «داخلی یاران استفاده کند.»

«این گونه بنظر می‌رسید که هم دکتر فاطمی و هم دکتر»
 «مصدق، هر دو آن‌ها قویاً معتقد بودند که حزب توده دارای سرشت»
 «يك بعدی است. وابستگی این حزب به شوروی به اندازه‌ای»
 «است که فقط می‌تواند به عنوان يك عامل شوروی عمل کند.»

«دکتر فاطمی که خود مبتکر نظریه اقتصاد بدون نفت برای»
 «ایران بود دربارهٔ حل و فصل دعوای نفت، عقیده داشت که»
 «یافتن يك راه حل دوستانه برای این مساله در آینده نزدیک»
 «امکان‌پذیر نبوده و ایران ناگزیر است تعطیل شدن نامحدود»
 «صنعت نفت خود را بپذیرد و مملکت ما، قرن‌ها بدون نفت»
 «زندگی کرده است. اگر این بهائی است که برای حفظ حیثیت»
 «و تمامیت ما پرداخت گردد، بگذارید چنین شود.» دکتر فاطمی»
 «ضمن این که عقیده داشت که باید بسیاری از مخالفان حکومت»
 «را از میان برداشت تا ایران بتواند از يك کشور متکی بر»
 «تک محصولی نفت، به يك اقتصاد بدون نفت، تحول یابد، همچنین»
 «معتقد بود که حکومت مصدق پیشرفت چشم‌گیری در گسترش»
 «موافقت‌نامه‌های بازرگانی پایاپای و توسعه صنایع سبك کرده»
 «دکتر به ملاحظات مداوم دکتر مصدق درباره ناتوانی يك»
 «حکومت مردمی برای تحمیل شرائطی که بطور مصنوعی آرامش»
 «را در کشور برقرار سازد، اشاره کرد و خاطر نشان ساخت که»
 «چون نخست‌وزیر آزادی‌خواه و طرفدار اصول دموکراسی است»
 «در زمینه انزوای بین‌المللی ایران و مقابله با قدرت آمریکا و»
 «انگلیس پیش‌بینی دکتر فاطمی این بود:»

«چه بهائی ما باید بپردازیم تا آمریکا را با خود همراه»
 «سازیم؟» يك راه حل نفت که ۵۰ درصد از سود [خالص] را»
 «نصیب ایران سازد، شاید، در خود اندیشیدن است، آنهم به»
 «شرطی که ایران حاضر به پرداخت غرامت نفت به انگلیس»
 «[۲۲۸ میلیون لیره] باشد. چنانچه حکومت حزب کارگرو»
 «حزب دموکرات آمریکا، همچنان بر سر کار بودند، دعوای»

«نفت حل می شد، اما باروی کار آمدن کابینه محافظه کار چرچیل»
 «[در انگلستان] وژنرال آیزنهاور [از حزب جمهوریخواه] در»
 «آمریکا، ایران هیچ آمیدی به حل دعوی نفت نداشت، یا امید»
 «اندکی داشت.»

«کاملاً هوای مسأله نفت، دکتر فاطمی وضع بین المللی»
 «ایران را بانوعی تشویش خاطر می نگریست. ایران قصد آن»
 «داشت که بر غم فشارهای پیوسته غرب، همچنان سیاست واقعی»
 «عدم تعهد را در منازعات دو ابر قدرت، دنبال کند. به نظر می رسید»
 «که ایران با توجه به سیاست بین المللی، از اختیار محدود و»
 «و غیر قابل دفاعی برخوردار بود. اگرچه تحولات شوروی پس»
 «از مرگ استالین مانع دخالت مستقیم فعالیت حزب توده در داخل»
 «کشور شده بود، اما به نظر می رسید که تردید فاطمی نسبت به»
 «تحولات شوروی، تمام ذهنش را پر کرده بود. دکتر فاطمی عقیده»
 «داشت که دکتر مصدق خطر سقوط جبهه ملی بر جلب حمایت»
 «شوروی و بر اساس شرائط غیر قابل پذیرش آنان، ترجیح می داد،»
 «بهر حال، چنین حمایتی قریب الوقوع نبود، حتی اگر هم بود، قطعاً»
 «انباشته از شرایط و قیودی بود که حکومت بدون شك، آنها را»
 «رد می کرد.»

«از این رو، تنها چاره ای که برای ایران باقی می ماند،»
 «این بود که سیاست عدم تعهد خود را دنبال کند. هر چند که سیاست»
 «ایران در زمینه مقابله با غرب، به طرفداری شوروی تعبیر می شد.»
 «این حکومت که به خود می بالد دارای اندیشه های استوار بر»
 «دمکراسی و آزادیخواهانه است، صرفاً نمی تواند فعالیت های»
 «ضد آمریکائی حزب توده را سرکوب کند، تا توهم آمریکائی ها»

«دایر براین که روس‌ها از جبهه ملی بهره‌برداری می‌کنند، از»
«میان برود.»

«در مورد موضوع مبارزه طلبی مخالفان مصدق،»
«دکتر فاطمی ضمن اشاره به موارد قبلی، اطمینان داشت که»
«تهدیدات مخالفان جدی نیست...»

«در مورد توانائی شاه برای يك مبارزه تازه به حکومت»
«جبهه ملی، دکتر فاطمی عقیده داشت که اینک شاه از لحاظ»
«قدرت توطئه‌چینی علیه مصدق، دروضع بهتری از روزهای»
«پیش از قیام سی‌ام تیر قرار ندارد زیرا:

«۱- شاه، همچنان، به شدت نگران است که مصدق»
«تهدید خود را دایر بر انکار علنی سلسله پهلوی عملی سازد.»
«شاه برای جلوگیری از این کار، به هر خفنی تن درخواهد داد،»
«مگر آنکه دولت‌های خارجی او را ناگزیر به پذیرش خطر»
«کنند.»

«۲- وفاداری افراد نیروهای مسلح به شاه تا حدودی»
«بر اثر تصفیه‌های مصدق در سطح فرماندهان عالی، و تا اندازه‌ای»
«به خاطر احساسات ملی و ذاتی افسران جزء نسبت به رژیم ملی،»
«کاهش یافته است.»

«به این ترتیب ملاحظه می‌شود که دکتر فاطمی درباره»
«آخرین مرحله دوره نخست‌وزیری مصدق، نظرات خوش -»
«بینانه‌ای داشت.»

«هنگامی که دکتر فاطمی يك هفته پس از این گفتگو،»
«به ایران بازگشت فرصت کافی در اختیار داشت تا برخی از»
«نظرات خود را، از نو، مورد ارزیابی قرار دهد. جای چون و»

«چرائی نیست که عقاید فاطمی تا پایان کارش آینهٔ عقاید دکتر»
«مصدق بود.»

«... سخنرانی آتشین دکتر فاطمی در روز ۲۶ مرداد-»
«که خواستار انحلال نظام سلطنت گردیده و به شاه حمله کرد»
«در واقع تندترین سخنانی بود که يك عضو کابینه، يا يك»
«شخصیت غیر دولتی برجسته و عضو جبهه ملی می توانست»
«برزبان آورد»...



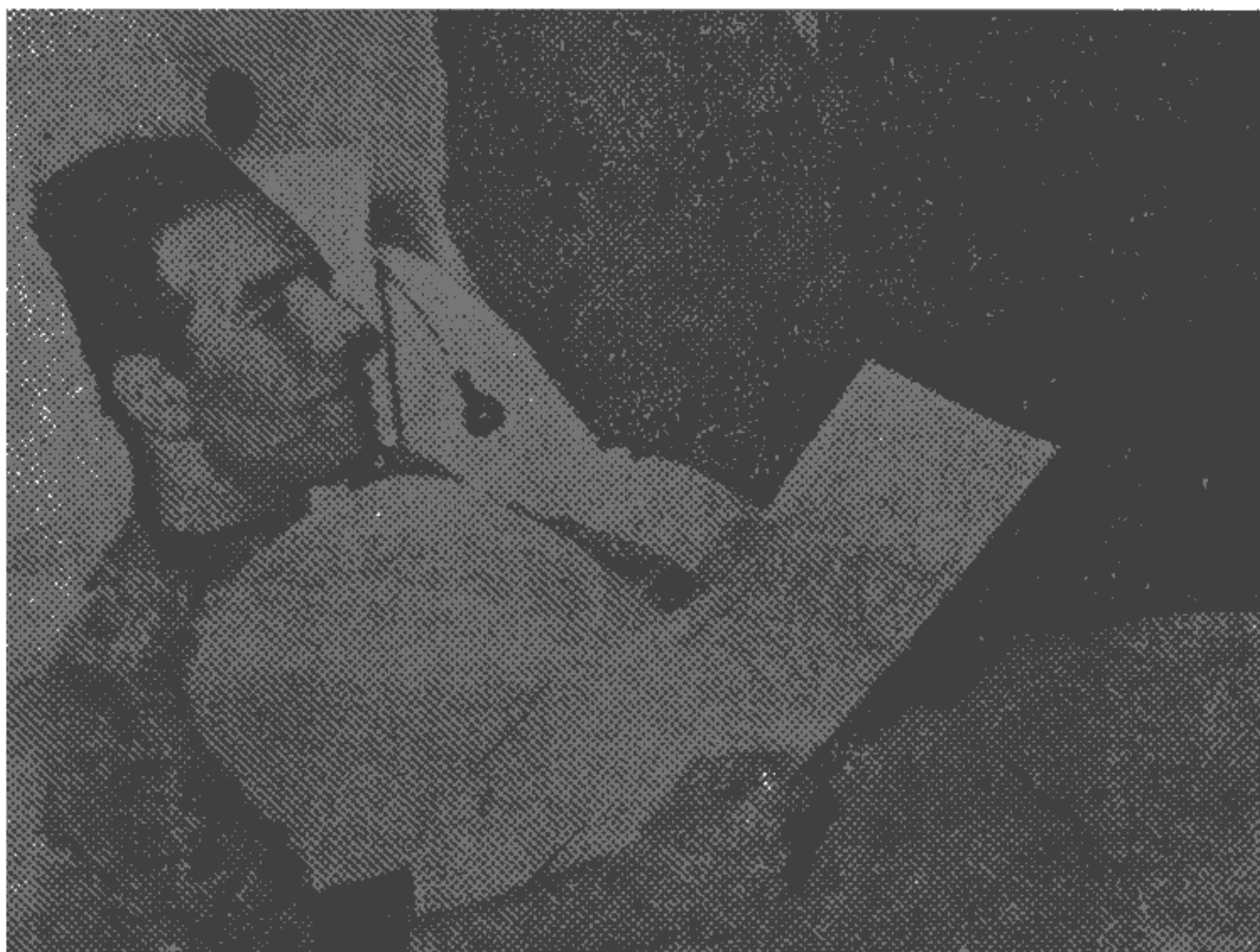


شادروان مسعود



مقارن ساعت ۱۴ و سی و پنج دقیقه دکتر فاطمی بر سر مزار رفت که در

www.adabestanekave.com





بخش چهارم

فصل اول

تحولات و اقدامات انجام شده در دوران خدمتگزاری دکتر حسین فاطمی

دکتر حسین فاطمی در مدت کوتاهی که در کنار مصدق به خدمت مشغول بود در ایران تحولاتی در زمینه‌های مختلف بوجود آمد. در این جا این نکته را نیز باید یادآوری نمود که دولت ملی در آن مقطع از زمان با دو جناح یعنی مشکلات داخلی یعنی با ایادی بیگانه به خصوص سرسپردگان انگلستان درگیر بود و از طرفی هم با دشمنان خارجی می‌بایستی دست و پنجه نرم کند یعنی در واقع مشکلاتی که انگلستان برای ایران فراهم آورده بود. مشکلات سیاسی و اقتصادی و کارشکنی‌های همه‌جانبه‌ای در همین فرآیند یکی بعد از دیگری به اجرا درمی‌آمد که برای نمونه محاصره اقتصادی ایران در آن زمان است، دشمنان ملت سعی کردند؛ با فشردن گلوئی اقتصادی راه را بر دولت ملی به بندند. علیرغم همه این دسیسه دولتی که دکتر فاطمی در آن

به خدمت مشغول بود با تکیه بر ملت شریف و صبور و مقاوم ایران به پیشرفت‌هایی
 ناآل آمد که در ذیل فهرست‌گونه بدان اشاره صادر شود که برای روشن شدن بسیاری
 از مسائل جادارد مروری بر آن نمائید:

شماره‌ای از اقدامات انجام‌شده: ۱- در زمینه امور خارج

- تکمیل لوله‌کشی آب تهران
- تعیین کمیسیون مرکب از دادستان کل کشور و شش تن از نمایندگان مجلس
 جهت تعیین تکلیف اسناد سری مکشوفه شرکت نفت سابق و تعقیب کسانی که بضرر
 مملکت ارتباط نامشروع با بیگانگان داشته‌اند.
- اجازه انتشار دومیلیارد ریال برگهای وام یکصد ریالی بعنوان قرضه ملی
 برای تأمین مخارج کلیه امور مربوط با اجرای ملی شدن صنعت نفت.
- اجازه تحصیل بیست و پنج میلیون دلار اعتبار از بانک صادرات و واردات
 واشنگتن برای تأمین هزینه اجرائی طرحهای کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی
 و راهسازی و سایر طرحهای عمرانی مندرج در برنامه هفت ساله که اصل آن قبلاً
 بتصویب مجلس شورای ملی رسیده بود.
- قانون ملی شدن ارتباط تلفنی در سراسر کشور که از جمله هدفهای آن ایجاد
 شبکه تلفنی در قصبات و دهات کشور بود.
- لایحه افزایش اعتبار بودجه وزارت فرهنگ برای اجرای قانون تعلیمات
 اجباری و تعلیم و تربیت اطفال عشایر.

در امور کشاورزی و حمایت از کشاورزان

- لایحه قانون الغاء عوارض مالکانه در دهات. (این قانون از باج‌گیری مالکان
 جلوگیری میکرد).
- لایحه قانونی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی

راجع به تأسیس صندوق عمران و تعاون ده با تشکیل شورای ده، شورای دهستان (برای اداره امور صندوق دهستان)، شورای عمران و تعاون بخش، شورای عمران و تعاون شهرستان، وظائف شوراهای مزبور ناظر بر تأمین جمیع وسائل لازم برای بهبود زندگی کشاورزان بوده از قبیل:

تهیه آب مشروب سالم - ساختن خانه‌های ارزان - تأمین معاش - نگهداری و تربیت یتیمان و تأمین معاش آنان - دادن وام بدون سود یا سودنازل به کشاورزان برای تهیه وسایل کشاورزی - احداث جاده و پلها - تأسیس دبستان و دبیرستان - ایجاد مراکز برق - ترویج صنایع محلی - احداث دبستانهای کشاورزی - تأسیس درمانگاه و داروخانه بیمارستان - تأسیس شرکتهای تعاونی کشاورزی تولید و مصرف اعتبار.

- لایحه قانونی مبارزه با آفات و امراض نباتی

- لایحه واگذاری باقیمانده وجود دریافتی بابت صدی یک شورای کشاورزی بصندوق تعاون و عمران روستائی^۱.

- لایحه معافیت صندوقهای روستائی و شرکتهای تعاونی از حق الثبت عوارض تمیر سهام و مالیات.

- لایحه منع قطع درخت و صدور چوب گردو و دریافت عوارض از چوبهای صادراتی.

- لایحه ثبت اراضی موات اطراف تهران بنام دولت و منع قبول تقاضای ثبت نسبت باراضی بایر و موات.

- لایحه معافیت بذر و نهال و قلمه از حقوق و عوارض گمرکی.

در امور فرهنگی و حمایت فرهنگیان و تعلیمات اجباری - دانشگاه:

- لایحه تشکیل شورای عالی فرهنگ برای نظارت در امور فرهنگی

- اصلاح فرهنگ کشور - تنظیم شعائر ملی - اهتمام در تهذیب اخلاق عمومی.

- لایحه تشکیل کمیسیون ناظر خرج سهم فرهنگ از درآمد شهرداریها.

- لایحه آموزش و پرورش عمومی.

— لایحه طرز استقلال مالی دانشگاه.

در اصلاح امور دادگستری و سازمان قضائی کشور — تأمین امنیت قضائی و بطور کلی استقلال قوه قضائیه.

— لایحه حذف محاکم اختصاصی از جمله دادگاههای نظامی.

— لایحه تصفیه قضات (که بنحو مطلوب و امیدبخشی اجرا شد ولی بعد از ۲۸ مرداد بهم خورد).

— لایحه تعویض امور استخدامی قضات به هیأتی مرکب از رئیس دیوانعالی کشور — دادستان کل کشور — دو نفر از رؤسای شعب دیوان کشور (تضمین کننده استقلال قوه قضائیه بدینجهت که مانع دخالت قوه مجریه در امور قضاوت میگردد).

— لایحه الغاء قانون تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی (که در دوران دیکتاتوری قبل از شهریور ۲۵ توسط داور بتصویب مجلس رسیده و استقلال قوه قضائیه و قضات را معدوم کرده بود).

— رسیدگی به صلاحیت اخلاقی قضات.

— ترمیم حقوق بازنشستگی قضات.

— سازمان اداره پزشکی قانونی.

— لایحه استفاد از قضات دیوان کشور بجانشینی اعضاء غائب دادگاه انتظامی

قضات.

— لایحه اصلاح قانون آئین دادرسی مدنی.

— لایحه تعیین جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت محاکم نظامی میباشد و انحصار این جرائم و تخلفات به جرائم ناشی از مسائل و تکالیف نظامی.

— لایحه مجازات قطع و تخریب وسائل مخابرات و برق برای جلوگیری از

اخلال در نظم عمومی بمقاصد سیاسی.

— لایحه اصلاح اداره ثبت اسناد و املاک.

— لایحه نحوه تعقیب استانداران و فرمانداران در محل خدمت.

— لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری.

در امور اقتصادی (براساس اقتصاد بدون نفت):

برنامه «اقتصاد بدون نفت» هدفش این بود که بنیه اقتصادی مملکت با تشویق صادرات کالاهای صادراتی کشور (غیر از نفت) به آن حد از ترقی و اعتلاء برسد که مملکت متکی و محتاج صدور نفت نباشد. این «تز» حیاتی رفته رفته از حدود طرح و برنامه خارج شده بعرضه ظهور و عمل رسید و صادرات کشور به حدی رونق گرفت که در صورت ادامه ممکن بود به نتیجه نهائی «بی نیاز کردن کشور از درآمد نفت» نایل شود. آمار و شاخص های اقتصادی در آرشیو وزارت اقتصاد نشان میدهد که در هیچ تاریخی اقتصاد و صادرات کشور به رونق و اعتلای زمان حکومت مصدق نفت نبوده است. البته منظور از تز اقتصاد بدون نفت تعطیل استخراج نفت نبود بلکه غرض این بود که حیات ملی و استقلال مملکت متکی به نفت نباشد و درآمد نفت صرفاً به مصرف امور عمرانی برسد.

— لایحه تأسیس هیئت نظارت صنعتی بمنظور حسن اداره و توسعه و حمایت صنایع کشور.

— لایحه تشویش صادرات.

— لایحه ترسعه اکتشاف و استخراج معادن و برقراری روش واحد در استفاده از ذخائر معدنی.

— لایحه تأسیس اطاقهای بازرگانی.

— لایحه تأسیس پلیس گمرک برای کشف و جلوگیری از قاچاق و اجرای قوانین اختصاصی گمرکی.

— لایحه تهیه وسائل مبارزه با قاچاق.

— لایحه اساسنامه شرکت ملی نفت ایران.

— لایحه افزایش سرمایه بانک ملی ایران.

— لایحه تأسیس بانک توسعه صادرات.

در خصوص دارائی و امور مالیاتی:

- لایحه تشکیل کمیسیونهای حل اختلاف مالیاتی.
- لایحه مجازات مأمورینی که ازدادن مفاصا به مؤدیان خودداری نمایند.
- لایحه اصلاح قانون مالیات املاك مزروعی.
- لایحه مالیات بر اراضی.
- لایحه طرز رسیدگی به اختلافات مالیاتی.
- لایحه وصول مطالبات غیر مالیاتی دولت.
- هریک از لوايح مذکور اثر قابل توجهی در بهبود امور مالیاتی و تسریع و تسهیل امور آن بر اساس مصلحت و مردم بود.

در مورد اصلاحات اداری و تعدیل بودجه اداری:

- لایحه بازنشسته کردن عدهای از کارمندان زائد و ناصالح در مؤسسات مهم (سازمان برنامه- شهرداری- بهداری- وزارت فرهنگ- دادگستری).
- لایحه اجرای بودجه سازمانی وزارتخانهها و بنگاههای دولتی برای طرد کارمندان ناشایسته و تشخیص کارمندان شایسته مشاغل مختلف توسط کمیسیونهای مرکب از پنج نفر از صاحبمنصبان مورد اعتماد و بصیر با وضاع و احوال کارمندان در هر وزارتخانه.
- لایحه تعیین و پرداخت مزایا کارمندان داوطلب بازنشستگی برای تعدیل بودجه اداری.

در مورد تأمین مسکن:

- لایحه افزایش مالیات مستغلات برای احداث خانههای ارزان.
- لایحه تأسیس بانک ساختمانی (برای نقشه برداری و تقسیم اراضی و ساختمان

و خانه و دادن وام مسکن.)

— لایحه انتقال وجوه فروش اراضی یوسف آباد به بانک ساختمان.

— لایحه تعدیل اجاره بها و احداث خانه های ارزان قیمت.

در امور نظامی و ارتش:

— تبدیل نام «وزارت جنگ» به «وزارت دفاع ملی».

— لایحه اصلاح قانون ترفیعات ارتش.

— لایحه تصفیه ارتش.

— لایحه اصلاح قانون خدمت نظام وظیفه.

— لایحه برقراری مستمری برای وراث افسران و درجه داران شهید و مقتول

در راه انجام وظیفه.

در امور بهداشتی و اجتماعی:

— تصویب و اجرای لایحه مهم و مترقی «بیمه های اجتماعی».

— لایحه استخدام پرستاران فارغ التحصیل آموزشگاه های بهداشتی.

— لایحه تأسیس بنگاه کل داروئی ایران.

— وصول عوارض از بنزین برای کمک به مستمندان.

— لایحه مطبوعات (در جهت تأمین آزادی قلم و امنیت ارباب قلم).

— بدنیت بدانیم در دوران حکومت دکتر مصدق صدها مجله و روزنامه

مخالف و جمعاً تعداد ۱۴۱۳ نشریه موافق و مخالف منتشر می شد.

— ملی کردن شیلات — در تاریخ ۴-۱۱-۱۳۳۱ رویترازلندن گزارش داد که

طبق اطلاع واصله قسمت عمده گفته گویهای سفیر شوروی در ایران، آقای «سادچیکف»

درباره شیلات و مسائل اقتصادی بوده است... نتیجه آنکه شرکت شیلات که امتیازش

۱- طبق فهرستی که آقای «ولی» مراد صادقی نصب یکی از مسئولین سابق مخزن

روزنامه های دانشگاه تهران، تهیه کرده است در اواخر دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۳۱ تعداد

روزنامه ها — منهای مجلات — به ۱۴۱۳ عدد می رسید.

را دولت شوروی در دست داشت روز نهم بهمن ماه ۱۳۳۱ پایه‌گذاری شد.
 - در اسفند سال ۱۳۳۱ به مناسبت عید نوروز در روزنامه‌ها ضمن گراور
 عکس‌هایی از ماهی‌های صیدشده نوشته بودند: توزیع و فروش ماهی با نرخ
 دانه‌ای ۱ تومان بوسیله کامیونهای شهرداری و شیلات در شهر شروع شد.
 - لایحه صدی بیست کشاورزان که اجرای آن منافع همه‌جانبه کشاورزان را
 تأمین می‌کرد بتاريخ ۲۲-۵-۱۳۳۱ بمرحله درآمد. مجله «تایم» بتاريخ اوت
 ۱۹۵۲ درمورد این لایحه نوشت: «هیچ دولتی در ایران چنین گامی برنداشته است.
 این لایحه جامع‌تر و مفیدتر از لایحه اصلاحات کشاورزی مصر می‌باشد.» در آن زمان
 این لایحه مالکین ثروتمند ایرانی را که در حدود ۷۰ درصد از اراضی مزروعی و چهل
 هزار قصبه ایران را تیول خود ساخته بودند، سخت بوحشت انداخته و آنان از عملی
 شدن آن بی‌نهایت نگران بودند.

در تاریخ ۸-۵-۱۳۳۱ بانک‌شاهی که زمانی نشر اسکناس را در ایران به عهده
 داشت و در همه کارهای اقتصادی و سیاسی کشور مارخنه کرده بود و بعدها بنام «بانک
 انگلیس» در ایران و خاورمیانه مشغول فعالیت گشت، «مصدق» آنرا بعد از ۳۶ سال
 تعطیل کرد، و در تاریخ ۲۹ ر ۷ ر ۱۳۳۱ اعلام شد که جهت بالابردن سطح تولید کشور
 و ممانعت از خروج ارز بانک‌های «صادرات و معادن ایران» و «بانک اعتبارات» و
 «بانک بازرگانی» تأسیس شود و در پی آن طرح تأسیس بانک‌های «ساختمانی»،
 «بیمه»، توسعه صادرات و دیگر مؤسسات مشابه ریخته شد.

بموازات تأسیس این بانک‌ها، بانک‌های خارجی در ایران تعطیل گشت و
 مؤسسات مشابه ایرانی جایگزین آن شدند. زیرا آن مؤسسات هرگز در امور تولیدی
 و بنیادی سرمایه‌گذاری نمی‌کردند، بلکه تنها در امور جزئی که آنهم بنفع خودشان
 و در اصل بضرر کشورهای عقب مانده بود، از طریق بانک و بیمه‌ها مبالغ هنگفتی بی‌رحمت
 و بی‌خطر بجیب می‌زدند، که این موارد را بعد از ۲۸ مرداد و روئیدن قارچ گونه بانکها
 را دیدیم.

در زمان فعالیت‌های دکتر فاطمی و دکتر «مصدق» جهت خانه‌سازی دولت زمین‌های فراوانی را بقیمت‌های ارزان در گوشه و کنار بین مردم تقسیم کرد، بعنوان نمونه در تاریخ ۱۳۳۱-۹-۲۹ و ۱۳۳۱-۱۰-۲۲ بترتیب ۷ و ۱۴ میلیون متر اراضی موات را که تعلق به دولت داشت و بعضی از «اراضی‌شیان» یا «نارمک کنونی» را در اختیار مردم گذارد و همزمان با این اقدام طرح تقسیم اراضی خوزستان جرح و تعدیل شد.

برای تولید بیشتر و افزایش صادرات فرآورده‌های گوناگون، دولت سعی و تلاش فراوانی مبذول داشت، طی گزارش سازمان برنامه ۱۳۳۱-۹-۳۱ سطح کشت پنبه کشور در آن زمان تقریباً به پنج برابر افزایش یافت و تمام کارخانه‌هایی که خوابیده بودند شروع بکار کردند.

در اسفند ۱۳۳۱ برآورد شد علیرغم کمی بودجه، چندین آسایشگاه فرودگاه و کارخانه قند سازمان برنامه در دست اجراء است و محصول قند و شکر سال نسبت به سال پیش از آن یعنی سال ۱۳۳۰، مقدار ۱۳۰۲ تن افزایش داشته است.

بتاریخ ۱۳۳۳/۲/۳ مقدمات کارخانه شیر پاستوریزه ریخته شده و روز ۱۳۳۲/۳/۲۵ کارخانه برق اصفهان شروع بکار کرد.

خود کفائی کشاورزی و صادرات

در تاریخ ۱۳۳۲-۳-۹ وزیر اقتصاد اظهار داشت طبق آمار و ارقام ارائه شده صادرات ایران بطرز بی‌سابقه‌ای در حال ترقی است بطوریکه در سال ۱۳۳۱ پنج میلیارد ریال صادرات داشتیم و امید می‌رود که در این سال (۱۳۳۲) این مبلغ از هشت میلیارد تجاوز نماید، (البته زائد است که یادآور شویم که این مقدار بدون احتساب نفت است.)

بطور خیلی خلاصه برای اطلاع از چگونگی وضع صادرات در دوران مصدق و سالهای بعد از ۲۸ مرداد، به آمار صفحه ۹۸ مجله بانك مرکزی - مورخ ۱۳۵۶

مراجعه می‌کنیم تا مسئله بهتر روشن شود.

جدول ۱

سال	صادرات (بجز مواد نفتی)	واردات
۱۳۵۱	۳۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۹۳۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۵۶	۳۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۸۸۷۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰

یعنی در سال ۱۳۵۱ واردات ۵۱۷ برابر صادرات و در سال ۱۳۵۶ واردات ۲۴۱۳ برابر صادرات است که در سالهای بعد سیر صعودی داشته است.

در تاریخ ۱۹-۸-۱۳۳۱ وزارت اقتصاد اطلاع داد که برای اشخاص پروانه‌های صدور برنج چمپا و خانگی در خرمشهر صادر می‌شود و در تاریخ ۳۰-۹-۳۱ هیئتی برای تحویل برنج به شوروی تعیین شد که در عرض سه ماه بنابه گزارش وزارت دارائی ۲۸۰۰ تن برنج به شوروی صادر شد.

در تاریخ ۱۷-۱۰-۱۳۳۱ وزارت اقتصاد با فروش برنج به اندونزی موافقت کرد و نیز اعلام داشت که سی هزار تن جو در برابر اخذ دلار نقداً فروخته شده است.

باقر کاظمی وزیر دارائی مصدق طبق گزارشی که به محمد رضا پهلوی داد. در تاریخ ۷-۲-۱۳۳۲ گفت: «ما میتوانیم پنجاه هزار تن غله به پاکستان صادر کنیم».

ممکن است چنین تصور شود که با صدور این ارقام موادی نظیر برنج شاید بازار داخلی دچار کمبود مواد غذایی و در نتیجه گرانی شده باشد، در حالی که شاخص قیمت‌های آن زمان در جدول شماره ۲ بخوبی وضع ارزاق دوره مصدق را بیان می‌کند.

جدول شماره ۲

- مأخذ مجله بانک ملی مورخ سال ۱۳۳۶

سال	نوع محصول	قیمت بر حسب کیلو
فروردین		
۱۳۳۲	برنج صدری درجه ۲	۱۴ ریال
۱۳۳۲	برنج صدری درجه ۳	۱۲ ریال
۱۳۳۲	عدس قزوین	۱۱ ریال
۱۳۳۲	عدس ورامین	۵۵ ریال
اردیبهشت		
۱۳۳۲	گوشت گوسفند	۲۶ ریال
۱۳۳۲	گوشت گاو و گوساله	۱۷ ریال

بنا به نوشته روزنامه‌های مورخ بهمن ۱۳۳۱ در عرض دو سال

۶۳۰۰ تن چای در ایران تهیه شده بود. در اردیبهشت سال ۱۳۳۲ طی برآوردی مشخص شد که میزان مصرف چای در کشور شش هزار تن در سال است که از این مقدار ۴۰۰۰ تن در خود ایران تولید می‌شود و طبق یک برنامه دو تا سه ساله دولت در نظر داشت از نظر چای مملکت بحد خود کفا برسد. در اینجا خاطره‌ای را آقای دکتر غلامحسین مصدق نقل می‌کند که ذکر آن بی‌مناسبت نیست.

«... آقای ارباب مهدی یزدی از تجار چای آن زمان از پدرم وقت ملاقات گرفتند. حدود سه بعد از ظهر یکی از روزها بود که ایشان بدیدن پدرم آمدند. او در منزل چای گیلان مصرف می‌کرد. آن روز هم طبق معمول چای دم بود، و چون آقای ارباب مهدی آمد پدرم از شان سؤال کرد چای میل می‌فرمائید؟ وی گفت اختیار دارید البته. با چای گیلان معمول در خانه پدرم از او پذیرائی شد.

پدرم رو کرد بوی و گفت: «چای چگونه بود» آقای ارباب مهدی

یزدی گفت آقا عالی بود، به به و...

پدرم گفت حالا فرمایشتان را بفرمائید. از باب مهدی یزدی گفت مقدار زیادی چای دار جلینگ و ارد کرده ام در گمرک است اجازه ترخیص می خواستم. پدرم گفت مگر شما از چای خودمان تعریف نکردید؟ هنگامی که چای خودمان چنان خوبست که شما که تاجر چای هستید تعریفش را می کنید، جایی برای وارد کردن چای خارجی نیست.»

روزنامه باختر امروز مورخ ۱۷-۳-۱۳۳۲ نوشت که در سال ۱۳۳۱ وزارت دارائی موفق شده بود ۲۴۴۵ صندوق تریاک از قرار هر صندوق ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار بفروشد مع هذا در ابتدای سال ۱۳۳۲ در حدود ۱۷۵۰ صندوق تریاک آماده فروش بود. در تاریخ ۱۰-۲-۱۳۳۱ دولت اعلام داشت که قرداد فروش ۶۰ هزار رأس گوسفند به عربستان سعودی امضاء شده است و صدور صادراتی نیز به عربستان با ارز خارجی است.

وزارت اقتصاد ملی در این مورد به مطبوعات خاطر نشان کرد که اولاً میزان گوسفند ایران طبق اطلاع وزارت کشور ۲۴ میلیون است که اگر یک چهارم آنهم در سال تولید مثل کند ۶ میلیون بره در سال بدست می آید و تناسب ۶۰ هزار گوسفند یک برصد و نسبت ۲۴ میلیون موجودی گوسفند یک بر چهار است.

وزارت اقتصاد در تاریخ ۲۸-۱۲-۱۳۳۱ اعلام کرد مبلغ ۶۵۶۱۲۶۰۰۰ ریال از صادرات فرش عاید ایران گشته است.

از تاریخ ۷-۱۰-۱۳۳۱ آمار وزارت اقتصاد ملی نشان داد که در هشت ماهه اول سال صادرات ایران ۲۶۱۰۰۰ ریال و واردات ۳۲۴۰۰۰ ریال یعنی صادرات سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۳۰ ۱۳ درصد افزایش داشته است. و در همین مدت ۵۰ درصد از ارزش واردات به کشور کاسته شده است، ولی این دو نسبت یعنی ۶۳ درصد کم شدن از واردات و اضافه شدن بر صادرات در هشت ماهه نخست سال ایجاد توازن مالی و اقتصادی دولت در سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۳۰ بوده است.

ایران در سال ۱۳۳۱ با کشورهای شوروی، ایتالیا، عربستان، پاکستان هندوستان فرانسه و... قرارداد تهاتری (پایاپای) برقرار کرد. وزیر اقتصاد در تاریخ ۸-۴-۱۳۳۲ اظهار داشت که در این سال صادرات ما چندین برابر سالهای گذشته می باشد.

اقتصاد بدون نفت

در همین فرایند شخص دکتر مصدق در جلسه ای با فراکسیون نهضت ملی ۲۶-۱۲-۱۳۳۱، می گوید:

«با تصمیماتی که دولت برای جبران کمبود درآمد حاصله از نفت گرفته است ترتیبی اتخاذ شد که بودجه مملکت از درآمد نفت بی نیاز باشد و با فعالیتی که برای صدور دخانیات به خارج از کشور و همچنین صدور پنبه بعمل آمده است کسر بودجه جبران خواهد شد، مضافاً اینکه برای جلوگیری از قاچاق نیز اقدامات لازم مبذول شده است و با این ترتیب درآمد حاصله از نفت هرچه باشد اختصاص بکارهای تولیدی دارد و هیچگونه ارتباطی با بودجه کشور نخواهد داشت...»

دکتر مصدق معتقد بود که ایران بایستی دارای اقتصادی بدون نفت باشد و حالت تك محصولی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم که همچون «ایران»، نفت «مصر» فقط پنبه، «فرمز» فقط شکر، «برزیل» فقط قهوه «سیلان» فقط چای «آرژانتین» فقط گوشت، را نداشته باشد.

طرح تز «اقتصاد بدون نفت» در ایران بر اساس اجرای طرح اتکاء به سایر درآمدها و صرف پول نفت در راه تأمین عمران و آبادی پی ریزی شده بود.

هدف دولت مصدق از سیاست اقتصادی این بود که فاصله درآمد طبقات را بهم نزدیک کند، در آن هنگام اشل حقوق کارمندان دولت در رتبه يك ۱۶۰۰ ریال و در رتبه ۱۰ (مدیر کلی) ۸۵۰۰ ریال بود و با این اشل حقوق بودجه سال ۱۳۳۲ برای نخستین بار بصورت متوازی در تاریخ ۱۴-۱۰-۱۳۳۱ در معرض افکار عمومی

نهادده شد.

افزایش وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تهران (غیر از حومه) در فروردین ماه ۱۳۳۲ نسبت به فروردین ۱۳۳۱ ۲۸۵٫۶۷۲٫۰۶۷٫۵۷۵ ریال افزایش داشت.

درآمد فروردین ماه ۱۳۳۲ اسفند دخیانیات ایران در مقایسه با فروردین ماه سال ۱۳۳۱ ۹۹۹٫۹۲۱٫۲۴۴ ریال افزایش داشت.

افزایش جمع وصولی در تیرماه ۱۳۳۲ نسبت به سال ۱۳۳۱ ۵۶۵٫۵۹۰٫۵۲۲ ریال افزایش داشت.

در صفحه ۲۱۴ مجله بانک ملی تیرماه ۱۳۳۲ درباره بودجه چنین آمده است: «کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی در جلسه بیستم اردیبهشت ماه خود بودجه سال ۱۳۳۲ را در یک ماده و ۲۶ تبصره تصویب کرد و در تاریخ یازدهم خرداد آقای نخست‌وزیر به موجب لایحه اختیارات آنرا مورد اجرا گذاشت.»

بودجه سال ۱۳۳۲ از حیث درآمد (بدون احتساب درآمد نفت) بالغ بر ۴۶۳٫۰۰۰٫۴۴۴٫۹۰۰ ریال و از حیث هزینه عادی با احتساب مخارج شرکت نفت بالغ بر ۴۳۰٫۰۰۰٫۱۴۳٫۹۵۶٫۹۰۰ و از بابت اضافه درآمد احتمالی ۵۰۰٫۰۰۰٫۲۰۰٫۵۰۰ ریال است.»

در صفحه ۲۳۱ همان مجله چنین می‌آید «واردات سال ۱۳۳۱ به مبلغ ۵۲۵٫۰۰۰٫۳۱۵ ریال و صادرات همان سال بدون نفت ۳۰۳٫۰۰۰٫۸۰۰ ریال می‌باشد.»

مخارج دستگاه شرکت نفت هر ماه مبلغی نزدیک به ۱۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال می‌شد که جمع سالیانه آن در حدود ۱٫۸۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال و اگر نسبت به ۵۱ میلیون تومان کسری بودجه سال ۱۳۳۲ بسنجیم در حقیقت بودجه سال ۱۳۳۲ ۲۶۰٫۰۰۰٫۱۰۰ ریال افزایش نشان می‌داد، و افزون بر این دکترا صدق قصد داشت ضمن کاستن هزینه‌های وزارت دربار و اخذ مالیات از درباریان و اشرف بازم به

این بودجه بیافزاید.

لازم به یادآور است که در سال ۶ - ۱۳۵۷ درآمد سالیانه از نفت ۴۸۷۸۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال که سهم سالیانه هر نفر ایرانی مبلغی در حدود ۴۸۷۸۸ ریال یا ۷۰۰ دلار بود.

برای اطلاع بیشتر به چند جدول که نمایانگر غارت ثروت ملی ایران توسط شرکت نفت انگلیس است نظری می افکنیم:

جدول شماره ۳

سال عدد مستخدمین خارجی نسبت مستخدمین خارجی با مستخدمین ایرانی

۱۳۲۵	۲۰۵۰	$17\frac{1}{4}\%$		
۱۳۲۹	۲۸۶۴	$10\frac{45}{100}\%$		
سال	عدد کارکنان آبادان	عدد کارکنان حوزه معادن	جمع کل مستخدمین	
۱۹۴۰	۱۳۱۹	۷۸۱۹	۲۶۱۲۳	
۱۹۴۱	۱۳۲۰	۴۹۵۴	۲۱۳۷۵	
۱۹۴۲	۱۳۲۱	۴۶۳۸	۲۱۸۱۳	
۱۹۴۳	۱۳۲۲	۵۰۸۸	۳۱۲۴۵	
۱۹۴۴	۱۳۲۳	۵۵۱۶	۳۱۹۶۴	
۱۹۴۵	۱۳۲۴	۹۴۹۹	۴۲۲۷۴	
۱۹۴۶	۱۳۲۵	۱۲۸۰۹	۴۶۰۵۰	
۱۹۴۷	۱۳۲۶	۱۲۷۲۸	۴۶۳۸۸	
۱۹۴۸	۱۳۲۷	۱۳۹۸۱	۵۰۳۹۹	
۱۹۴۹	۱۳۲۸	۱۷۱۵۸	۵۵۹۷۰	

و موقعی که نفت ملی شد و از شرکت خلع ید گردید (یعنی سال ۱۹۵۱) جمع
 عدد کارکنان شرکت در ایران ۶۱۵۴۵ بود. علاوه بر این ۱۳۶۰۳ نفر هم کارگرانی
 بودند که کنتراتیچی های شرکت در استخدام خود داشتند.

قبل از اعتصاب کارگران آبادان در سال ۱۳۰۸ شمسی حداقل دستمزد کارگران
 شرکت نفت از روزی چند ریال تجاوز نمی کرد. پس از اعتصاب مزبور حداقل
 دستمزد آنها به پنج ریال افزایش یافت و این مبلغ تا اوایل جنگ با اندک تغییری
 برقرار بود. بین سال ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ شاخص کل هزینه زندگی^۱ تقریباً دو برابر و نیم
 شده بود ولی دستمزد کارگران نفت بهمان پایه سابق مانده بود. موقعی که ارتش های
 بیگانه بایران هجوم آورده و تقریباً تمام کشور را اشغال کردند بواسطه تورم پول
 و کمیابی کالاهای خارجی و احتکار کالاهای داخلی و هرج و مرج اقتصادی که
 حکمفرما گردید هزینه زندگی هم بسرعت بالا رفت و در سال ۱۳۲۳ شاخص کل به ده
 برابر آنچه در سال ۱۳۱۵ بود رسید. کارکنان نفت هم مانند سایر مردم در مضیقه
 غریبی قرار گرفته بودند و چون با حضور ارتش خارجی وسیله اعتراضی نداشتند
 مشقت و سختی را تحمل کرده وساکت بودند. لکن در آنوقت ارتشهای امریکا و
 انگلیس محتاج بکارکنان و مستخدمین فنی بوده و حاضر بودند که دستمزد بیشتری
 بدهند و عده ای را استخدام نمایند. این احتیاج تولید رقابتی بین ارتش های بیگانه
 و شرکت نفت ایجاد کرد که لازم بود خاتمه یابد لذا شرکت در سال ۱۹۴۲ يك
 ثلث بردستمرد کارگران افزود.

www.adabestanekave.com

۱- از سال ۱۳۱۵ بعد بـانك ملی ایران ارقامی درباره شاخص هزینه زندگی
 منتشر می کنند که ارقام فوق از آن اقتباس شده است.
 نقل از کتاب مصدق و تاریخ، تألیف نگارنده ص ۲۴۸.

جدول شماره ۵ بیلان آخرین سال (۱۳۵۰) غارتگری انگلستان از نفت ایران
لیره

۱۵۱۱۹۳۴۴۹	مجموع درآمد خالص شرکت پس از مخارج
۱۶۰۳۱۷۳۵	مبلغی که برای ترمیم دستگاهها کنار گذاشته شده
۱۶۵۰۰۰۰۰	مبلغ در نظر گرفته شده برای ایران (چون بعد از مدتی نفت ملی شد)
۵۰۷۰۶۸۸۰	مالیات بدولت انگلستان
۲۶۰۰۰۰۰۰	به حساب ذخیره عمومی برده شده
۱۴۳۴۴۳۹۸۷	
بقیه هم بصاحبان سهام پرداخته شد و بحساب سال بعد واریز شد. مأخذ کتاب پنجاه سال نفت ایران.	

جهت اطلاع بیشتر به چاپاولگری انگلستان نظری به چند جدول می افکنیم

جدول شماره ۶ تن لیره

۳۲۶۶۶۰۰۰۰	مجموع نفت استخراج شده توسط انگلستان
	در تمام مدت امتیاز
۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰	مجموع سودیکه برده
۱۷۵۰۰۰۰۰۰۰	مجموع مالیاتیکه بدولت انگلستان پرداخته
۵۰۰۰۰۰۰۰۰	مقدار مبلغی که از درآمد کل جهت توسعه کار خود بمصرف رسانید
۱۰۵۰۰۰۰۰۰۰	کلیه مبلغی که در این مدت به ایران پرداخت شده
	مأخذ - کتاب مصدق و تاریخ تألیف نگارنده

۳۳۴۱۲۹۳۹	۲۰۱۹۵۰۰۰	مقدار نفت فروش رفته
۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰		درآمد خالص انگلستان
۷۱۱۲۴۸۴		مقدار یکه بذخیره انگلستان انتقال داده شده
۷۱۰۱۲۵۱		پرداختی بصاحبان سهام
		حق الامتياز ايران
		شرکت نفت مأخذ - بیلان سال ۱۹۴۷

جدول شماره ۸

سال ۱۹۴۶ - ۱۳۲۵

تعداد

۱۷۰۰۰	خانه جهت کارگران و کارمندان متأهل
۴۰۰۰	اطاق جهت کارگران و کارمندان مجرد
۹	بیمارستان
۳۲	مهمانخانه شرکت
۳۹	تعداد درمانگاه
۳۹	باشگاه
۲۵	سینما
۸۶	زمین ورزش
۲۱	استخر شنا
۴۸	دبستان و دبیرستان
۳۱	کارخانه یخ سازی

وضع تولید نفت خام در کشورهای خاور میانه طی سالهای بحرانی نفت ایران
ارقام به هزار بشکه

جمع	تولید عربستان	تولید قطر	تولید بحرین	تولید کویت	تولید عراق	تولید ایران	سال
۶۴۰۷۵۴	۱۹۹۵۴۷	۱۲۲۶۸	۱۱۰۱۶	۱۲۵۷۲۲	۴۹۷۲۶	۲۴۲۴۷۵	۱۹۵۰
							(آخرین سال)
							عملکرد شرکت
							سابق در ایران
							(عملکرد نصف)
۷۰۰۵۱۰	۲۷۷۹۶۳	۱۸۰۰۹	۱۰۹۹۴	۲۰۴۹۱۰	۶۵۱۲۲	۱۲۳۵۱۲	۱۹۵۱
							سال از طرف
							شرکت سابق
۷۶۰۴۵۳	۳۰۱۸۶۱	۲۵۲۵۵	۱۱۰۰۴	۲۷۳۴۳۳	۱۴۱۱۰۰	۷۸۰۰	۱۹۵۲
۸۸۴۵۵۷	۳۰۸۲۹۴	۳۱۰۲۵	۱۰۹۷۸	۳۱۴۵۹۲	۲۱۰۲۶۸	۹۴۰۰	۱۹۵۳
							(عملکرد)
*۹۹۲۵۳۸	۳۴۷۸۴۵	۳۶۴۵۰	۱۰۹۹۲	۳۴۷۳۱۹	۲۲۸۴۳۲	۲۱۵۰۰	۱۹۵۴
							کنسرسیوم در
							دوماه آخر سال

* به علاوه ۵۹۵ تولید منطقه بیطرف = ۹۹۸۵۳۳

مأخذ جدول Issawi and Yeganeh: The Economics of Middle Eastern Oil : F. A. Praeger, N. Y. 1972 p. 183.

جدول شماره ۱۰

(ارقام به بشکه در روز)

نام شرکتهای ذینفع	۱۹۵۴	۱۹۵۳	۱۹۵۰	
همه شرکتهای بزرگ بین‌المللی (میجر)	۶۱'۴۰۰	۲۶'۸۰۰	۶۶۴'۳۰۰	ایران
نفت فرانسه، نفت انگلیس رویال داچ شل، نیوجرسی، موبیل	۶۳۶'۲۰۰	۵۸۱'۴۰۰	۱۳۹'۷۰۰	عراق
موبیل، کالیفرنیا، نیوجرسی، تکزاس، نفت انگلیس، گالف مانند عراق ^۱	۹۶۱'۸۰۰	۸۴۴'۶۰۰	۵۴۶'۸۰۰	عربستان سعودی
	۹۵۹'۷۰۰	۸۶۱۹۰۰	۳۴۴'۴۰۰	کویت
	۹۹'۹۰۰	۸۵'۰۰۰	۳۳'۶۰۰	قطر

۱- مصدق و تاریخ صفحات ۳۵۶-۲۵۲



پالایشگاه آبادان یا بزرگترین پالایشگاه جهان قبل از جنگ ایران و عراق

ادامه چنین برنامه‌ای را هرگز امپریالیسم نمی‌توانست تحمل نماید، بنا بر این برای سرنگونی دولتی که در خدمت مردم و برای مردم خالصانه گام برمی‌داشت توطئه‌ها یکی پس از دیگری به اجرا گذارده شد ولی از آنجا که محاصره اقتصادی و دیگر شیوه‌های معمول در برابر یگانگی ملت رنگ باخت استعمار سعی در از بین بردن وحدت ملی نمود تا از این رهرو جنبش را سد کند.

همانگونه که دکتر فاطمی در دست نوشته‌هایش یادآوری می‌کند: نهضت در اواخر آن انسجام و استخوان بندی محکم خود را از دست داده بود، و این چیزی نبود مگر همان نفوذ و رسوخ در جنبش و پاشیدن تخم نفاق جهت پراکندگی و در نتیجه بهره برداری توسط دشمن. دکتر فاطمی سعی و افری جهت تداوم و قوام همبستگی بکاربرد اما

از بین بردن وحدت ملی نمود تا از این رهرو جنبش را سد کند.

همانگونه که دکتر فاطمی در دست نوشته‌هایش یادآوری می‌کند: نهضت در اواخر آن انسجام و استخوان بندی محکم خود را از دست داده بود، و این چیزی نبود مگر همان نفوذ و رسوخ در جنبش و پاشیدن تخم نفاق جهت پراکندگی و در نتیجه بهره برداری توسط دشمن. دکتر فاطمی سعی و افری جهت تداوم و قوام همبستگی بکاربرد اما

عوامل تشدد^۱ و خرابگر، تنگ نظری ها، خود بینی ها، ستون های پنجم و تمام ابزار مخرب يك جا در اختیار امپریالیسم قرار داشت و نهضت جوان ایران فاقد تجربه کافی برای مقابله با آنها بر نامه ریزی های حساب شده بود.

نهم اسفند ۱۳۳۱

بعرض محضر هیئت ریزه بخت پرست

ابو نظریه ضمن نامه محرر رسیده است ریزه بخت پرست و نظر خود را

دائری عدم صلاح سازت اندوخته را بمرجع تحظر برضایت من

اینک بدینوسیله بار دیگر نظر خود را آن سید محترم حضرت سید
سید بهرام قزوینی

۱- نهم اسفند ۱۳۳۱ بعرض اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میرساند همانطوریکه ضمن نامه رسمی بوسیله هیئت رئیسه مجلس شورای ملی نظر خود را دائری بر عدم صلاح مسافرت همایونی در اینموقع خطیر بعرض رسانیده ام اینک بدینوسیله باردیگر نظر خود را تأیید مینمایم. ایام عظمت مستدام باد. سید ابوالقاسم کاشانی

بخش چهارم

فصل دوم

دوران کوتاه بین دو کودتا به روایت باختر امروز

بقلم دکتر حسین فاطمی

باختر امروز

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۳ - ۶ ذیحجه ۱۳۷۳ - ۱۷ اوت ۱۹۵۴ - شماره ۱۱۷۳

خانمی که میخواست وطن را بخاک و خون بکشد فرار کرد

بقلم: دکتر حسین قاطمی

فرار کودتاچیان با فرزندان و اقارب در ارداد ۱۹۳۳ این بود که اگر درخفه کردن صدای ملت، در نابود کردن حکومت ملی توفیق پیدا کردند و توانستند بر دست و پای افراد وطن پرست و آزادیخواه زنجیر بگذارند و ادبوتهران در ساعت مقرر بر نامه معمولی خود را شروع نکنند تا سر دست خیانتکاران خود را از کلاردشت پس از چند دقیقه با هواپیما به تهران برسانند و مزد فروش وطن و تجدید عهد اسارت و مـرک استقلال و محو حاکمیت مملکت را از انگلستان بستانند.

این جوان هوسباز با یک چنین اندیشه خام و احمقانه ای فراموش کرده بود ملتی وجود دارد که همه این مبارزات و افتخارات وطن، تمام جهاد ملی شدن نفت و مجموع عملیات چند سال اخیر در طرد نفوذ شوم و خانه برانداز استعمار انگلستان از اوست و هم اوست که در مقابل دربار، در برابر مجلس سازی اشرف، در اقلیت سازی مادر،

در جلو مداخلات برادرها و در تحریکات و مداخلات علنی و آشکار خود شاه سر ضد منافع کشور صد آهنین مقاومت بسته و نمیگذارد که حاصل زحمات و جانبازی هایش را یک قانون فساد و نا پاکی و یک مرکز فحشا با تش هوسبازی و نوکری لندن اندازد و یک خطنک و بدنامی ابدی روی افتخارات میلیونها مردمی که دیگر حاضر نیستند تحت نفوذ و اراده خدایان کمپانی سابق باقی بمانند بکشد. من همیشه گفته ام که حق این بود پیش از بستن کنسولگریها در شهرستان ها و سفارت فعبه در تهران آن مرکز نك در سواهی که انگلستان را خالق خود میداند و ساخته و پرداخته شده «آبر نسید» - کلل انگلیس - و دهادارد معروف است کوبیده شود و در باین خانه مجری اراده اجنبی ها را کل بگیرند. عده ای که مستقیما از آن خوان یغما بهره مند میشدند و گروهی که نفع خود را در بقای سیاست انگلیس در ایران میدانستند سم تبلیغات ظاهر فریب را آنطور با عصاب میرسانیدند که اگر دست بشر کیب این هیولای شهوت بخورد تمام تار و پود ما از هم گسیخته میشود. خوب شد که تفضل و عنایت خدای ایران و حوصله بی حساب و صبر و بردباری و متانت دکتر مصدق بالاخره این پرده پندار را پاره کرد و مردم - دوست و دشمن

فهمیدند که این «آقا زاده» خلف الصدق همان پدریست که بیست سال ایران را غارت کرد. نصف مملکت را بصورت املاک اختصاصی در آورد و مرض زمین خواری او شهره دنیا شد و عایدات سالیانه او سر برده ها میلیون گذاشت سرانجام در روزی که باید از منافع کشورش دفاع کند مردم بی پناه را بتانك و توب بباران دودشمن قوی، بلا تکلیف سپرد و خود با کامیونهای جواهرات راه فرار را در پیش گرفت با این تفاوت که از کودتای انجام شده پدر در سوم شهریور بیست سال گذشته بود و پسری که وارث آن کودتای فتنه بود برای تحکیم پایه های لرزان و ست سلطنت جنایت آمیز خویش بنهضت ملی وطن که باغ-ون فرزندان سی-تیر آبیاری شده بود شبیخون نا جوانمردانه زد ولی چون نقش ابلهانه او نگرفت بعد از یک ساعت بر هوا پیمانشست و در کنار سفارت انگلیس بغداد فرود آمد. بروای خائن که تو را آنقدر اجانب نیز پست و حقیر شناخته اند که دیگر بر برای این جنایت هولناك که ورق آخر و برگ نهائی دوازده سال سلطنت است و با اشاره و دستور مستقیم آنان صورت گرفت مزدی بتو نخواهند پرداخت.

اکنون از غارتیهای پدر و از دلارها و لیره های یغما شده

بخش چهارم

فصل دوم

دوران کودتا بین دو کودتا به روایت باخترا امروز

بقلم دکتر حسین فاطمی



ساعت یازده و نیم دیشب چند
افسر مسلح و قریب پنجاه شخصت نفر
سرباز گارد شاهنشاهی شخصت تیر
بدست مثل راهزنانی که در کتابهای
افسانه قرون وسطائی خوانده‌اید
بخانه من ریختند و بدون این که حتی
اجازه دهند من کفش پا کنم در برابر
شیون طفل یازده ماهه و مادرش مرا
بسعد آباد - کاخ سلطنتی - توقیفگاه

گارد شاهنشاهی بردند و در هر اطاق خانه‌ام نیز تا ساعت چهار صبح دروازه سرباز بیتوته فرمودند. در این مقاله نمیخواهم ماجرای این جنایت - این کودتای ننگین - این دستبرد و تجاوز «شاهنشاهی» را بحقوق ملت شرح دهم بلکه میل دارم حقایقی را که تا امروز قسمت مهم آن از مردم مخفی مانده است ذکر کنم:

یک هفته بعد از واقعه نهم اسفند در جراید مرکز منعکس شد که من برای عرض گزارش درباره هیئت اعزامی ایران ببغداد بحضور ملوکانه مشرف شده‌ام! آن روز که ملاقات من با شاه قریب دو ساعت و نیم طول کشید شاید تنها حرفیکه نزدیم موضوع هیئت اعزامی بغداد بود.

پس از حادثه نهم اسفند که دست خود شاه دخالت مستقیم در آن داشت من دیگر تا آنوقت بدربار نرفته بودم ولی ناگهان برای گفتن مطالبی تلفن کردم و یکسر گرسنه از وزارتخانه بکاخ اختصاصی رفتم دیدم شاه از دکتر مصدق گله می‌کند و میگوید مصدق از من رنجیده‌است بگمان اینکه در حادثه نهم اسفند من دست‌داشته‌ام شما چه می‌گوئید؟ بی‌پروا باو گفتم که من تردید ندارم اعلیحضرت بوجود آورنده این صحنه شرم‌آور بوده‌اید بعد بدو چشمان او که خیلی داعیه معصومیت دارند نگاه کرده گفتم بمن بفرمائید تا کجا می‌خواهید بروید آیا اعمال فاروق برای شما درس عبرت نیست؟ فاروق تا توانست نوکری انگلیس‌ها را کرد. پشت بملت خود تا آنجا رفت که تخت و تاج خویش را در روز موعود از دست گذاشت آیا شما هم از آن راه می‌خواهید بروید؟

اینها که بشما نصیحت میدهند با نهضت مردم جنگ‌کنید چه کسانی هستند؟ مگر شما چه بدی از این ملت دیده‌اید که در صف اول مخالفین قرار می‌گیرید؟

آنروز خیلی صحبت کردیم بالاخره باو گفتم یکبار در سی‌ام تیر بدستور سفارت انگلیس دکتر مصدق را مجبور باستعفا کردید و سزای آنرا دیدید آیا خیال میکنید ممکن است آن آزمایش تلخ را تکرار کرد؟ دربار در تمام طول ده سال اخیر قبله‌گاه هرچه دزد، هرچه بی‌ناموس و هرچه واخورده اجتماع بوده قرار داشته و از

همه بدتر تنها تکیه گاه خارجیان و نقطه اتکاء سفارت انگلیس این دربار گند و کثیف و لعنتی بوده است.

من در طول دوازده سال اخیر هرگز به آستان این جوان خوش خط و خال که مثل مار افسرده موقع ضعف و جبن سر درهم میکشد و در فرصت مناسب نیش جانگزای خود را میزند سر فرود نیاورده ام و این آخرین دفعه هم که بابتکار خودش نشان همایون بمن داد هرگز نشان اهدائی او را بر سینه نردم زیرا میدانستم که این «همایون» از قماش همان «همایونهای» است که پنجاه شصت (راجه) نظیر او را انگلیس ها در موقع اشغال هند در خاک وسیع آن کشور ایجاد کرده اند.

دربار دشمن همه آزاد مردان، وطن پرستان و خصم مبارزین راه استقلال و آزادیست.

اگر اینطور نیست از او پرسید منکه در راه جهاد ملت ایران هنوز درد و رنج و درد گلوله اجنبی را بر جان و تن خود دارم و هنوز از بیمارستان خارج نشده در مذاکره با اجنبی دیگر صرف قوه و انرژی می کنم چه جرمی مرتکب شدم که نیمه شب باید اسیر تجاوزات افرادی غارتگر و قطاع الطريق بشوم؟

من از محمد رضا شاه پهلوی هرگز انتظار آن را ندارم که این شجاعت و شهامت خودش را در برابر بیگانگان بکار نبرد، من حتی بقدر سلطان مراکش و بیک تونس هم از او حمایت از حقوق ملت را نمیخواهم ولی اعتراف میکنم که تا ایندرجه او را حقیر و کوچک فکر وضعیف العقل نمیشمردم که شبیخون بر مبارزات و جهاد ملت خود بزند و تمام محصول فداکاریها و جانفشانیهای مردم محروم و بینوای کشور را قربانی هوسبازی و لاس زدن با اجانب کند.

یکی نیست از او پرسد دیگر شما و فامیل شما از این يك مشت پابرهنه و لختی که بیست سال قدرت آنها را بنفت جنوب زیر نظر مستقیم خویش فروخت و برای چهل سال بعد از خود نیز قرارداد ۱۹۳۳ را باقی گذاشته چه میخواهید؟

ثروت يك مملکت را بغارت بردید، املاك و اموال و نوامیس مردم از دست

این خانواده سی سال است در امان نبوده حالا هم مثل دزدها و بدکارها از تاریکی شب برای کودتا استفاده میکنید و برای استراحت بکلاردشت تشریف میبرید؟ آمدن هژیر و ساعد و رزم آرا محصول همین مسافرت های کلاردشت و مشاوره با عوامل مستقیم اجنبی بود. این کودتای مسخره دیشب نیز بدون شك از آنجا سرچشمه گرفته است. اگر راست میگفتید و نشانه های ازحمیت در شما وجود داشت در پناه تاریکی شب دست باین جنایت هول انگیز نمیزدید و تفنگک سربازانی را که از مالیات علف خوارهای ایرانی تهیه شده و گارد شاهنشاهی شما را تشکیل داده است بروی وطنخواهان نمیکشیدید.

پدر شما یکمرتبه بدستگیری «آیروفسید» کلنل انگلیسی، بروی هم وطنان خود شمشیر کشید و عاقبت در منتهای نکبت در گوشه «ژوهانسبورگ» چشم برهم گذاشت. او از این جنایت چه چیزی دید که امروز شما از روی نقشه فرستاده های سفارت انگلیس بغداد و ایادی جیره خوار اجنبی همان راه نکبت بار و ملعنت آمیز را از نو می پیمائید؟! آقای دکتر مصدق! چقدر باید صبر و تحمل کرد و تا کی باید شاهد این این فجایع و رسوائیهای پنهانی و آشکار دربار بود.

دربار با رفتار ننگ آوری که دیشب مرتکب شد آخرین خط وصلی را که باملت داشت برید. دیگر باید بدوازده سال توطئه، دوازده سال تحریک برادران و خواهران و مادر و دوازده سال اغراض و شهوات اجنبی خاتمه داد و بگارد شاهنشاهی کاملاً ثابت کرد که ملتی وجود دارد و این مردم توطئه ها و تحریکات ننگین دربار را فقط تامدت محدودی میتوانند تحمل کنند. کاسه صبر ایرانی لبریز شده و فریاد انتقام از این جنایات که داستان های فاروق را کهنه کرده از گلوی كوچك و بزرگ برمیخیزد. عیاشی و شهوت پرستی و بی اعتنائی بسرنوشت میلیون ها مردم تا همین جا کافیه است. از دربار بپرسید دیگر از جان مردم و مملکت چه میخواهید؟ تاپای انقراض تاریخ و سقوط وطن اکنون شما جلو رفته اید و بدست خود آن گور بدنامی و سیاهکاری و اجنبی پرستی را کنید.

دیشب در همان موقعی که شصت تیرهای افسران و سربازان گارد شاهنشاهی
 بطرف من نشانه گرفته بودند و مرا به توقیف گاه سعد آباد میبردند من با کمال
 خونسردی زیر لب این شعر سعدی را زمزمه میکردم:

چو تیره شود مرد را روزگار
 همه آن کند کش نیاید بکار



۲۵ مرداد ۱۳۳۲ - روزنامه باختر امروز
گزارش لحظه بلحظه جریان کودتای نافرجام ۲۵ مرداد از زبان دکتر فاطمی،

قرار بود ساعت ۵ صبح امروز مصدق، فاطمی، ریاحی را اعدام کنند

جریان دستگیری وزیر خارجه، وزیر راه و مهندس زیرگزاده از کاخ سعدآباد گارد شاهنشاهی اقدام بکودتا نموده ولی بطور معجزه آسا عاملین کودتا دستگیر شدند. قرار بود ایستگاه بی سیم - تلفن خانه تهران و تمام نقاط حساس پایتخت را اشغال کنند ولی جز تلفن خانه بجاهای دیگر دسترسی پیدا نکردند. امروز پایتخت صورت بحران آمیزی داشت احزاب و دستجات مختلفی اعلامیه های مختلفی صادر کرده اند ستاد ارتش بتمام شهرستانها دستور داده است که پادگانها انتظامات را حفظ کنند برای جلوگیری از حوادث احتمالی کاخهای سلطنتی از طرف نیروهای انتظامی تحت نظر گرفته شد - بازپرسهای نظامی از کودتاچیان بازجوئی می کنند.

متهمین در دادگاه صحرایی محاکمه می شوند

۵ بعد از ظهر امروز در میدان بهارستان میتینگ بر گزار میشود.

جالب ترین و دقیق ترین گزارشات در باره ی کودتای دیشب

قبل از شروع بمطلب اجازه بدهید از زبان دکتر فاطمی وزیر امور خارجه

جریان دستگیری او را شرح بدهیم و بعد بعلل و جهات «کودتای» دیشب پردازیم.
حرکت نکن که آتش میکنم



دکتر مصدق

دکتر فاطمی گفت : ساعت یازده و ربع بود که از منزل پدرخانمم بوسیله اتومبیل بخانه خود رفتم. ساعت یازده و ۲۰ دقیقه بود که بخانه خود رسیدم. عصای خود را کناری گذاشته وارد روشویی شدم مشغول مسواک کردن دندانهای خود بودم که صدای خش خش شنیدم -

آنها امری ساده تلقی کردم ولی فریاد وحشتناکی که خانمم زد از اطاق روشویی خارج شدم بتصور اینکه دزد بخانه ما آمده است.

بمجرد خروج از اطاق روشویی دو سرباز لوله‌های تفنگ خود را بطرف من گرفتند که حرکت نکنید والا آتش میکنیم.

دکتر فاطمی اضافه کرد که من خون سردی خود را حفظ کردم و بمجردیکه از روشویی خارج شدم



سرهنگ نصیری که برای دستگیری دکتر مصدق رفته بود

دیدم عده زیادی سرباز مسلح به شصت تیر تمام خانه مرا گرفته اند در این موقع یکنفر ستوان یکم با احترام بمن گفت:

امروز مردم آزادی طلب تهران مجسمه های
رضاخان میرپنج را سرنگون ساختند

پدر سیاست

بسوزد- چیزی نیست -

بفرمائید برویم زیرا

سایر دوستان شما هم در

آنجا بانتظار هستند.

بیشتر از شصت

سرباز در خانه من

گذاشتند.

من بستوان یکی

که فرمانده این سربازها

بود گفتم: اگر این همه

سرباز را برای من

میگذارید که کار

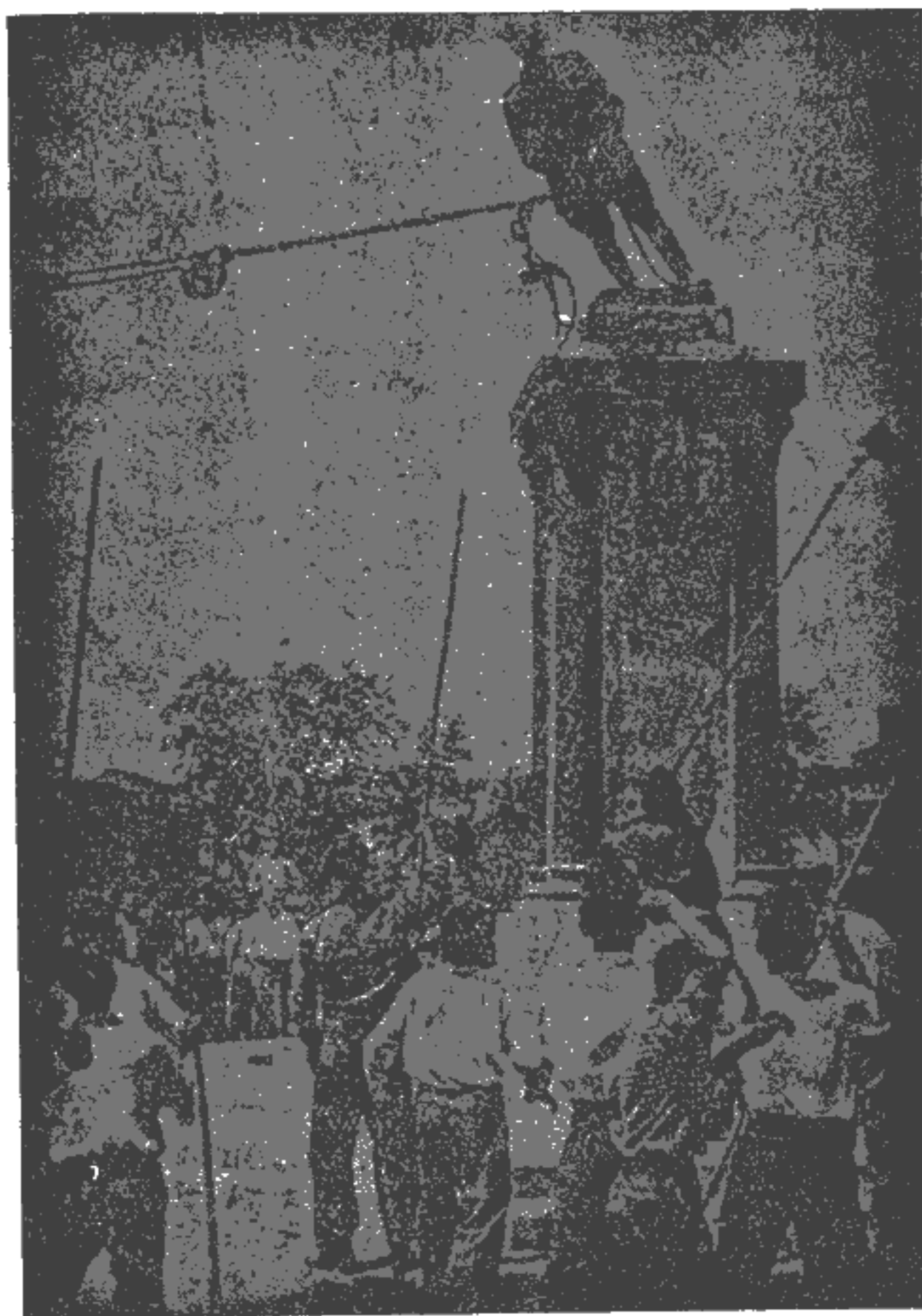
اشتباهی است زیرا يك

سرباز برای من کافی

است و منهم اهل فرار

نیستم خاطرتان جمع

باشد.



در میدان بهارستان مجسمه دیو مهیب قلدری بزمین می افتد

ستوان مزبور پاسخ داد: همه جا محاصره است.

مرا بکاخ سعدآباد بردند بدین ترتیب که مرا سوار يك کامیون سرباز کردند

و بکاخ سلطنتی بردند.

من هیچ وحشت نکردم زیرا بفرض اینکه کودتا انجام میشد و مرا هم اعدام میکردند بیداری ملت ایران نقشه آنها را نقش بر آب میکرد. مرابطاتی بردند



کسه مملو از سرباز
بود. بعد برای ابراز
مرحمت يك گلدان گل
روی ميز گذاشتند و افسر
محافظ مرتباً میگفت
پدر سياست بسوزد.

نطق تاریخی دکتر فاطمی در میتینگ تاریخی میدان
بهارستان در فردای کودتای ۲۵ مرداد:

امروز پرچم سه رنگ ایران بجای مجسمه‌ها در همه میدانهای تهران در اهتزاز بود

عصر دیروز میتینگ عظیمی برای ابراز نفرت نسبت بکودتاجیان در میدان بهارستان تشکیل شد
دیروز محمد رضا پهلوی شاه فراری که علیه حکومت ملی بدستگیری اجانب
کودتا نمود و با شکست مواجه گردید از طرف ملت منعزل گردید
دهها هزار مردم قهرمان تهران با در دست داشتن عکس دکتر مصدق فریاد
میزدند:

«مصدق پیروز است» «ما شاه نمیخواهیم - شاه فراری و اجنبی پرست
باید محاکمه و مجازات شود» شاه از ترس انتقام ملت ببغداد گریخت.
مردم باشوق و ذوق پیروزی خود را جشن گرفتند

همه مردم خواستار محاکمه و اعدام فوری کودتاجیان بودند

ملت ایران در زیر آفتاب سوزان اراده استوار خود را بجهانیان اعلام کردند - مردم تقاضای
تشکیل شورای سلطنتی را داشتند - دکتر شایگان گفت: با کشتن ما نهال نهضت ملی ایران
بارورتر میشود - دکتر فاطمی گفت: جنایات دربار پهلوی روی دربار فاروق را سفید کرد
مهندس رضوی گفت

باید هرچه زودتر اختلاف طبقاتی از بین برود و دولت شورای سلطنتی را تشکیل دهد
جلای موسوی پیروزی ملت را تبریک گفت و از مردم خواست که در حفظ نظم کوشا باشند
قطعه نامه میتینگ دیروز بالاتفاق از طرف شرکت کنندگان بتصویب رسید

دیروز برای اولین بار در تاریخ مبارزات درخشان ملت ایران شرایط و اوضاع

امروز چهره رنگ ایران بجای مجسمه ها در همه میدانهای تهران در اهتزاز بود

عصر دیروز میتینگ عظیمی برای ابراز نفرت نسبت به کودتاجیان در میدان بهارستان تشکیل شد

دیروز محمد رضا پهلوی شاه فراری که علیه حکومت ملی بدستگیری اجانب گوناگون
و با شکست مواجه گردید از طرف ملت منعزل گردید
نمونها هزار مردم قهرمان تهران با در دست داشتن عکس دکتر مصدق فریاد میزدند:
«مصدق پیر و زاست» «ما شاه نمیخواهیم» شاه فراری و اجنبی پرست باید سزاگمه و مجازات شود
شاه از ترس انتقام ملت بیژنه ادگرینخت. مردم با شوق و ذوق پیروزی خود را جشن گرفتند

همه مردم خواستار محاکمه و اعدام فوری کودتاجیان بودند

ملت ایران در زیر آفتاب سوزان اراده استوار خود را بجهانیان اعلام کردند - مردم تقاضای
تشکیل شورای سلطنتی را داشتند - دکتر شایگان گفت: با کشتن ما نهال نهضت ملی ایران
بارورتر میشود - دکتر فاطمی گفت: جنایات دربار پهلوی روی دربار فاروق را سفید کرد
مهندس رضوی گفت

باید هر چه زودتر اختلافات طبقاتی از بین برود و دولت شورای سلطنتی را تشکیل دهد
جلالی موسوی پیروزی ملت را تبریک گفت و از مردم خواست که در حفظ نظم کوشا باشند
قطعه نامه میتینگ دیروز بالاتفاق از طرف شرکت کنندگان بتصویب رسید

دیروز برای اولین بار در تاریخ
مبارزات درخشان ملت ایران شرایط و
اوضاع واحوال سیاسی روز اجازه داد که
وکلای مردم يك مسئله اساسی را که با حیات
سیاسی و اقتصادی ملت ما بستگی دارد با
ده ها هزار از سربازان مصمم و آماده نهضت
در میان بگذارند .
تاریخ نشان داده که تاملت و جودی
پدیده های اجتماعی از نظر کمی و کیفی و از
لحاظ موقعیت مکانی و زمانی نمی شود و
طرفین متخاصم بآن درجه از رشد و آمادگی
طبقاتی نرسیده باشند که تضاد و جریانیهای
تاریخی را با روشن بینی تاریخی تجزیه و
تحلیل نمایند و در هیچ موردی و در هیچ
پدیده ای امکان پذیر نیست .

چهر تاریخ - موقعیت سلطنت ها را
بطور کلی در این قرن و در این شرایط بین المللی
نهی کرده است .
در بار پهلوی و شخص شاه هم که نمیتواند از
چهار چوب مقتضیات جهانی بیرون باشد
در جریان نهضت خداست ماری ملت ایران ملل
وجودی خود را از دست داده بود و باورش
سپاهانی که نیمه شب یکشنبه ۲۵ مرداد
بنهضت ملت ایران کرد مکان تاریخی خود
را از دست داد . و از خوف طوفان
خشم ملیونها مردم مبارز وطن ما
بدامن ارباب های لادنی خود براق گریخت .
عظمت تفکر سیاسی دکتر مصدق از این
جهت است که با جهان بینی و حسن رهبری
بی نظیر خود شمارهای انقلابی خود را آن
طور با اوضاع واحوال روز تطبیق میدهد
و در بطن نهضت ملی تمیز میکند که بزرگ
ترین دگرگونیها را در پدیده های اجتماعی
بدون هیچ تصادم خونینی بوجود میآورد .
برچیدن سلاطین و آور و تنگین دربار
پهلوی که مثل سرطان ریشه های اجتماعی
و تاریخی داشت و بصورت يك سنن ملی
کاذبانه شکل گرفته بود بدون تردید از
بزرگترین خدمات تاریخی دکتر مصدق به
ملت ایران است .

و دیگری نخواهد باید که نسل آینده
وطن ما از نمره این خدمت و فداکاری
بزرگ بنحو شایسته ای قیض ببرد و با
احترام و ستایش از آن یاد کند .
دیروز یکی دیگر از شمار های انقلابی ملت
ایران در زیر تابش آفتاب حیات بخش مبین
ما متعجب شد و انعکاس آن بصورت طوفان
خشگین اراده ملتی که می خواهد آزاد و
مستقل زندگی کنند دنیائی را دچار اعجاب
و تعجب نمود .
دیروز در میدان بهارستان اراده ملت
قهرمان ما از خلال فریاد ده ها هزار مردم
چنگ آور تهران ، کارگران ، دهقانان ،
دانشجویان ، بازاربان ، پیشه وران ،
احزاب و دستجات سیاسی بگوش دربار رسید
هجوم ده ها هزار مردم مبارز و قهرمان
تهران شکوه و عظمت مخصوصی ببدان
بهارستان داده بود .

شمارهائی که دیروز از قلب اجتماع
عظیم مردم تهران بر میخواست هم تازه کی
داشت و هم لذت بخش بود .
«مرك بر شاه خان»
«نا بود باد بساط تنگین دربار پهلوی»
«ما شاه نمیخواهیم» «شاه بساید
معا که شود» مثل غرش طوفان در دودبار
تهران را می لرزاند .

شمار «مصدق پیروز است» «سلام
بدکتر مصدق پیشوای ملت های اسیر
شرق»
«سلام بدکتر فاطمی یار و نادر
مصدق»
بشارت پیروزی ملت ایران را مثل
امواج جاودانه يك سرود ملی منتشر میکرد .
همه خوشحال بودند . روشنائی این
خوشحالی و پیروزی در چهره های سرختر
آفتاب زده با برهنه ها و شکم گسته ها و ده ها هزار
مردمیکه در میدان بهارستان را پر کرده
بودند میدرخشید

مردم از پیروزی بزرگ خود و از
پایداری و پاکدامنی مصدق رهبر بزرگ خود

بوجد آمده بودند بلند گو و مباد . شمار
های انقلابی و خواستنی این شمار ها در
لوب مردم می نشست و بشکل خروش دایره آوری
از سینه مردم بر میخواست و شهر را
می لرزاند .
جمعیت غیر منتظره
بدنیال این تصمیم رادیسو تهران
اعلام کرد که ساعت ۵ رده بعد از ظهر در
میدان بهارستان نایبندگان فراکسیون نهضت
ملی صحبت میکنند

هموطنان عزیز ، باید اعتراف کرد
برای هیچکس قابل قبول نبود باین وقت
کم اینگونه ملت بندهای خسادمین خود
پاسخ دهد جمعیت پیششار و غیر منتظره و بی نظیر
دیروز بیش از حد تصور بود و نه تنها
میدان بهارستان بلکه در خیابان های
اکباتان - شاه آباد - صفی - علیشاه نیز
جمعیت بود .

دکتر فاطمی آمد
دکتر فاطمی که پس از اطلاع از میتینگ تصمیم
گرفت مستقیماً جریبان را باملت ایران مطرح
سازد اعلام داشت که در میتینگ شرکت میکنند
هنوز ۵ دقیقه بساعت ۵ بعد از ظهر مانده
بود که اتومبیل وی در انتهای خیابان صفی -
علیشاه ایستاد .

دکتر فاطمی با اتفاق یکی دو تن از
اعضای هیئت تحریریه پیاده از خیابان صفی
علیشاه بسهل روزنامه کشور آمد .
جمعیتی که جلوی خیابان ایستاده بود
بعضی دین دکتر فاطمی شروع به تظاهر
کردند و فریاد زنده باد فاطمی بلند شد .
دکتر فاطمی در حالیکه مرتب بمردم تعظیم
میکرد وارد محل روزنامه کشور شد .
سبب بتدریج اعضای فراکسیون
نهضت ملی وارد شدند و مقارن ساعت ۵ و
۴ دقیقه میتینگ آغاز شد .

زنده باد فاطمی
در این موقع دکتر فاطمی در بالکن
ظاهر شد ، غریوادی از میان جمعیت بر
خواست فریاد زنده باد فاطمی در سراسر

میدان طنین انداز شد .
مدت چند دقیقه تظاهرات شدید نسبت
خارج در حالیکه مرتب سر تعظیم در مقابل
ملت فرود میآورد و بر حثت بعضا تنکبه
داده بود اشک شوق بچشم داشت و دست
راست را بسینه گذاشته مرتب در مقابل پیروی
ملت تعظیم میکرد .



دکتر فاطمی

دکتر فاطمی در مقابل مردم
در این هنگام نوبت بدکتر فاطمی رسید
وزیر امور امور خارجه که مدتی بود در
بالکن در برابر مردم ظاهر شده بود پشت
میکر و فون قرار گرفت غریوادی از میان
جمعیت برخاست و فریاد زنده باد فاطمی ،
زنده باد فاطمی ، میدان بهارستان را بلرزه
در آورده بود .

دکتر فاطمی در حالیکه با تنکبه به بعضا
سمی داشت نا آخرین حد فشار ، گرمای بالکن
را که در اثر کثرت جمعیت دو چندان شده
بود تحمل کند با گذاردن دست بسینه و خم
کردن سر بابر از احساسات مردم پاسخی
داد بالاخره در میان فریاد مردم چنین آغاز
سخن کرد :

و احوال سیاسی روز اجازه داد که وکلای مردم يك مسئله اساسی را که با حیات سیاسی و اقتصادی ملت ما بستگی دارد بسا ده‌ها هزار از سربازان مصمم و آماده نهضت در میان بگذارند.

تاریخ نشان داده که تا علّت وجودی پدیده‌های اجتماعی از نظر کمی و کیفی و از لحاظ موقعیت مکانی و زمانی نفی نشود و طرفین متخاصم به آن درجه از رشد و آمادگی طبقاتی نرسیده باشند که قضایا و جریانهای تاریخی را باروشن بینی تاریخی تجزیه و تحلیل نمایند دگرگونی در هیچ موردی و در هیچ پدیده‌ای امکان پذیر نیست.

جبر تاریخ موقعیت سلطنت‌ها را بطور کلی در این قرون و در این شرایط بین‌المللی نفی کرده است.

دربار پهلوی و شخص شاه هم که نمیتواند از چهارچوب مقتضیات جهانی بیرون باشد در جریان نهضت ضد استعماری ملت ایران علل وجودی خود را از دست داده بود و بایورش سببانه‌ای که نیمه شب یکشنبه ۲۵ مرداد بنهضت ملت ایران کرد مکان تاریخی خود را از دست داد، و از خوف طوفان خشم ملیونها مردم مبارز وطن ما بدامان ارباب‌های لندنی خود بعراق گریخت. عظمت تفکر سیاسی دکتر مصدق از این جهت است که با جهان بینی و حسن رهبری بی نظیر خود شعارهای انقلابی خود را آن‌طور با اوضاع و احوال روز تطبیق میدهد و در بطن نهضت ملی تعبیر میکند که بزرگترین دگرگونیها را در پدیده‌های اجتماعی بدون هیچ تصادم خونینی بوجود می‌آورد.

سرچیدن بساط تهوع آور و ننگین دربار پهلوی که مثل سرطان ریشه‌های اجتماعی و تاریخی داشت و بصورت يك سنن ملی کاذبانه شکل گرفته بود بدون تردید از بزرگترین خدمات تاریخی دکتر مصدق به ملت ایران است.

و دیری نخواهد پائید که نسل آینده وطن ما از ثمره این خدمت و فداکاری بزرگ بنحو شایسته‌ای فیض ببرد و با احترام و ستایش از آن یاد کند.

دیروز یکی دیگر از شعارهای انقلابی ملت ایران در زیر تابش آفتاب حیات بخش میهن ما منفجر و انعکاس آن بصورت طوفان خشمگین اراده ملتی که می خواهد آزاد و مستقل زندگی کنند دنیائی را دچار اعجاب و تحسین نمود.

دیروز در میدان بهارستان اراده ملت قهرمان ما از خلال فریاد دهها هزار مردم جنگ آور تهران، کارگران، دهقانان، دانشجویان، بازاریان، پیشه‌وران، احزاب و دستجات سیاسی بگوش دنیا رسید.

هجوم دهها هزار مردم مبارز و قهرمان تهران شکوه و عظمت مخصوصی بمیدان بهارستان داده بود.

شعارهائی که دیروز از قلب اجتماع عظیم مردم تهران برمیخواست هم تازگی داشت و هم لذت بخش بود.

«مرگ بر شاه خائن»

«نابودباد بساط ننگین دربار پهلوی»

«ما شاه نمیخواهیم» «شاه باید محاکمه شود» مثل غرش طوفان در و دیوار تهران را می لرزاند.

شعار «مصدق پیروز است» «سلام بد کتر مصدق پیشوای ملت‌های اسیر شرق» «سلام بد کتر فاطمی یار وفادار مصدق».

بشارت پیروزی ملت ایران را مثل امواج جاودانه يك سرود ملی منتشر می کرد.

همه خوشحال بودند. روشنائی این خوشحالی و پیروزی در چهره‌های سوخته و آفتابزده پابرهنه‌ها و شکم گرسنه‌ها و دهها هزار مردمیکه در میدان بهارستان را پر کرده بودند میدرخشید.

مردم از پیروزی بزرگ خود و از پایداری و پاکدامنی مصدق رهبر عزیز خود بوجد آمده بودند بلندگو شعار میداد. شعارهای انقلابی و خواستنی. این شعارها در قلوب مردم می نشست و بشکل خروش دلهره‌آوری از سینه مردم برمیخواست و

شهر را میلرزاند.

جمعیت غیرمنتظره

بدنبال این تصمیم رادیو تهران اعلام کرد که ساعت ۵ ر۵ بعد از ظهر در میدان بهارستان نمایندگان فراکسیون نهضت ملی صحبت میکنند.

هموطنان عزیز، باید اعتراف کرد برای هیچکس قابل قبول نبود با این وقت کم اینگونه ملت بندای خادمین خود پاسخ دهد جمعیت بیشمار و غیرمنتظره و بی نظیر دیروز بیش از حد تصور بود و نه تنها میدان بهارستان بلکه در خیابان‌های اکباتان - شاه‌آباد - صفی‌علیشاه نیز جمعیت بود.

دکتر فاطمی آمد

دکتر فاطمی که پس از اطلاع از میتینگ تصمیم گرفت مستقیماً جریان را با ملت ایران مطرح سازد اعلام داشت که در میتینگ شرکت میکند و هنوز ۵ دقیقه بساعت ۵ بعد از ظهر مانده بود که اتومبیل وی در انتهای خیابان صفی-علیشاه ایستاد.

دکتر فاطمی باتفاق یکی دو تن از اعضای هیئت تحریریه پیاده از خیابان صفی‌علیشاه بمحل روزنامه کشور آمد.

دکتر فاطمی

جمعیتی که جلوی خیابان ایستاده بود بمحض دیدن دکتر فاطمی شروع به تظاهر کردند و فریاد زنده باد فاطمی بلند شد. دکتر فاطمی در حالیکه مرتب بمردم تعظیم میکرد وارد محل روزنامه کشور شد.

سپس بتدریج اعضای فراکسیون نهضت ملی وارد شدند و مقارن ساعت ۵ و ۴۵ دقیقه میتینگ آغاز شد.

زنده باد فاطمی

در این موقع دکتر فاطمی در بالکن ظاهر شد، غریو شادی از میان جمعیت برخاست فریاد زنده باد فاطمی در سراسر میدان طنین انداز شد.

مدت چند دقیقه تظاهرات شدید نسبت بدکتر فاطمی ادامه داشت. وزیر امور خارجه در حالیکه مرتب سر تعظیم فرود می آورد و بزحمت بعصا تکیه داده بود اشک شوق به چشم داشت و دست راست را بسینه گذاشته مرتباً در مقابل نیروی ملت تعظیم میکرد.

دکتر فاطمی در مقابل مردم

در این هنگام نوبت بدکتر فاطمی رسید وزیر امور خارجه که مدتی بود در بالکن در برابر مردم ظاهر شده بود پشت میکروفون قرار گرفت غریو شادی از میان جمعیت برخاست و فریاد زنده باد فاطمی، زنده باد فاطمی، میدان بهارستان را بلرزه درآورده بود.

دکتر فاطمی در حالیکه با تکیه به عصا سعی داشت تا آخرین حد فشار، گرمای بالکن را که در اثر کثرت جمعیت دو چندان شده بود تحمل کند با گذاردن دست بسینه و خم کردن سر به ابراز احساسات مردم پاسخ می داد بالاخره در میان فریاد مردم چنین آغاز سخن کرد:

مردم قهرمان تهران

مردم قهرمان تهران، مردم قهرمان تعظیم بساحساسات پاك شما، مردم قهرمان تهران تعظیم بوفاداری و ثبات شما، شما مردم قهرمان تهران موجب این اوضاع هستید، شما مردم قهرمان تهران پیشقدم و پیشاهنگم نهضت ملی ایران بودید، شما برای اولین مرتبه از همین میدان بهارستان فریاد بر آوردید و هموطنان شهرستانی را متوجه حقوق از دست رفته خود کردید.

هموطنان عزیز، وضع مزاجی من طوری نیست که بتوانم زیاد صحبت کنم ولی در مقابل احساسات پاك، احساسات صمیمانه و سرشار شما چاره ای نداشتم، جز

اینکه برای عرض تشکر و تعظیم در مقابل احساسات شما پشت میکروفون قرار گیریم.

(فریاد زنده باد فاطمی، زنده باد یار وفادار مصدق توأم با کف زدن شدید رشته سخن وزیر امور خارجه را قطع کرد).
هموطنان:

چو تیره شود مرد را روزگار

همه آن کند کش نیاید بکار

(غریو شادی از میان جمعیت بلند شد و کف زدن شدید آغاز گردید).

هموطنان دیشب وقتی شصت تیرگارد شاهنشاهی (فریاد مرده باد بمدت چند دقیقه در میدان بهارستان طنین انداز شد) بطرف من نشانه روی میکرد، من چون باراده شما، به ثبات و عقیده شما ایمان کامل داشتم میدانستم که نهضت ملی نخواهد مرد. (باز هم طغیان احساسات ملت آغاز شد و فریاد زنده باد مصدق، زنده باد فاطمی مانع از ادامه صحبت دکتر فاطمی شد).

هر گونه استعمار

هموطنان، فرزند آن پدری که قرارداد ۱۹۳۳ را ۶۰ سال تمدید کرد میخواست نهضت شما را از بین ببرد. (فریاد مرده باد) پدرش ۲۰ سال عامل کمپانی نفت جنوب بود و ۴۰ سال دیگر را برای پسرش گذاشت.

(فریاد مرده باد). هموطنان امروز وظیفه شما حساستر و مشکلتر از هر روز است، امروز شما باید نشان بدهید ملتی هستید که میتوانید روی پای خود بایستید و هر مانع هر چه باشد از میان بردارید هموطنان به آنها که میگویند نهضت ملی شما رنگ خارجی دارد بگوئید ملت ایران برای نفوذ خارجی بقدر پیشیزی ارزش قائل نیست برای شما آن کسی که خارج از مرز شماست خارجی است.

استعمار سیاه و سفید، استعمار سیاه و سرخ برای شما علی السویه است.

(فریاد صحیح است توأم با کف زدن شدید بمدت چند دقیقه) هموطنان،

جنايات دربار پهلوی روی جنايات ملك فاروق را سفید کرد (در اینجا ابراز احساسات علیه دربار که با گفتن مرده باد توأم بود چند دقیقه نمیگذشت دکتر فاطمی را که بیش از آن قدرت ایستادن نداشت بصحبت ادامه دهد) هموطنان اسلحه‌ای که بقیمت عرق جبین شما تهیه شده بود.

فرزند عاقد قرارداد ۱۹۳۳ میخواست علیه نهضت شما بکار اندازد (فریاد مرده باد).

هموطنان - خائن همیشه خائف است روزی که صدای رادیو تهران بلند شد، آن دقیقه‌ای که گفت نقش کودتای اجنبی قوای خائن نقش بر آب شد راه اولین سفارتی را که انگلستان دارد در پیش گرفت (غریو مرده باد بلند شد و تظاهرات شدیدی علیه شاه آغاز گردید و مدت چند دقیقه جمعیت فریاد میکرد ما شاه نمیخواهیم).

هموطنان امروز روزی است که فرد فرد شما سرباز مراقب و بیدار وطن باید باشید (صحیح است) امروز شما آمدید و يك بساط ننگینی را که يك کلنل انگلیسی ۳۲ سال قبل برای حفظ منافع انگلستان در نفت جنوب در ایران پایه گذاری کرد واژگون و سرنگون کردید امروز شما باید دست به دست فرزند رشید وطن دکتر محمد مصدق (کف شدید با فریاد مصدق پیروز است ب مدت چند دقیقه) بدهید و برای ایران نو، ایران آباد، ایران دور از تحریکات اجنبی طرح آینده را بریزید (صحیح است) هموطنان شکر خدا را که آخرین پایگاه سی ساله نفوذ انگلستان یعنی دربار ننگین پهلوی آنچنان منهدم شد که جز اراده شما اراده دیگری نمیتوانست بدون آنکه خون از دماغ کسی بریزد این کانون فساد، این کانون ننگ را منهدم کند (صحیح است).

هموطنان - وظایف سنگین این دقایق بحرانی را فراموش نکنند و از همین دقیقه که در این جا هستید و از آن دقیقه‌ای که اینجا را ترك میکنید مواظب تر، مراقب تر، بیدار تر از همیشه باشید، خدای ایران بزرگ است، خدای ایران نخواست که نهضت شما واژگون شود.

فرزند پهلوی میخواست (مرده باد) فرزند عاقد قرارداد ۳۳ میخواست بجنك خدا برود میخواست بجنك ملت بجنك اجتماع که نمونه عالیترین مظهر اراده خداست برود خدا او را آنچنان بزمین زد که هیچ کس دیروز در چنین ساعت حتی درمیخيله خود تصور نمیکرد، خدای ایران، خدای بزرگ وطن نگهدار و نگهدار شما باشد.

قطعنامه میتینك

آنگاه مهندس رضوی متن قطعنامه میتینك را در سه ماده بدین شرح قرائت کرد که مردم بابلند کردن دست آنرا بالاتفاق مورد تصویب قرار دادند و میتینك ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه یافت اینك قطعنامه میتینك:

در قطعنامه دیروز مردم تهران از دولت دکتر مصدق خواستند که بفوریت عاملین کودتای خائنانه دربار و شاه فراری تحت تعقیب قرار دهد همچنین از دولت خواستار شدند که شورای موقت سلطنتی تشکیل شود تا تکلیف آینده مملکت روشن شود.

پایان میتینك و شروع دمو نستر اسیون

ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر میتینك پایان یافت و سیل جمعیت در حالیکه مشعلهای فروزانی در دست داشتند بطرف خیابان شاه آباد بحرکت درآمدند و علیه شاه فراری تظاهرات آغاز گردید و این تظاهرات در تمام خیابانهای بزرگ شهر تا مقارن نیمه شب ادامه داشت.

باختر امروز ۲۶ مرداد ۳۲

گزارش جریانات سیاسی روز

حوادث اخیر ایران همچنان در رأس اخبار بین‌المللی قرار دارد

محافل سیاسی بحث در باره پیر و زی ملت و شکست توطئه گران ادامه می‌دهند. لندن و واشنگتن با دقت تحولات اخیر ایران را بررسی می‌کنند. ناظرین سیاسی عقیده دارند که با زمامداری مصدق هر گونه نگرانی نسبت به آینده ایران بيمورد است، دکتر مصدق انگلیسها را در بن بست عجیبی قرار داده است

سیاستهای استعماری در بن بست بیسابقه‌ای قرار گرفته‌اند

نقشه کودتای پریشب که به پیروزی ملت و گریز شاه منجر شد و نتایجی که این حوادث مهم تاریخی در سرنوشت کشور خواهد داشت همچنان مورد بحث محافل سیاسی است.

در محافل مزبور گفته میشود که باین ترتیب توطئه بزرگی که از مدتها پیش انگلیسها و مؤلفین داخلی و خارجی آنها برای درهم شکستن نیروی مقاومت ملت ایران ترتیب داده بودند با عدم موفقیت مواجه شده است و باید منتظر این بود که دیگر لندن شکست ننگین و خرد کننده اخیر را چگونه جبران خواهد کرد و دیگر

چه دسیسه‌ای برای ارضاء تمایلات شیطانی خود بکار خواهد برد.

تردید نیست که هر قدر برپایداری ملت ایران افزوده میشود و هر قدر که این ملت تسلط بیشتری بر امور کشور خود پیدا میکند؛ استعمارگران بامشکلات بیشتری روبرو میگردند و مجبور میشوند نقشه‌های عظیم‌تر و خطرناکتری برای مقابله با نیروی شگرف ملت ما تنظیم نمایند.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که شکست توطئه اخیر، انگلیسها را در بن بست عجیبی قرار داده و استعمارطلبان بیگانه را بابخت و حیرت مواجه ساخته است. بطور کلی جریان نهضت ملی ایران و اقدامات دکتر مصدق از ابتدای نهضت، برای زمامداران انگلستان وضع بیسابقه‌ای در شرق بوجود آورده است.

ناظرین سیاسی بحث درباره حوادث ایران و فرار شاه ادامه می‌دهند. مطلعین باتوجه بهمکاری شاه فراری با استعمارگران خارجی و عمال سرشناس آنها، نتیجه میگیرند که هر کس بامنافع ملت خود نفع مشترکی نداشته باشد و حتی غالباً منافعش در جهت عکس مصالح عمومی باشد لاجرم در مواردی که لازم بداند از بیگانگان مدد خواهد خواست و بروی ملت خود تیغ خواهد کشید. اما امروز رشد ملت ایران بجائی رسیده است که دیگر نمیتواند نسبت باین جریانات بی‌اعتنا باشد و بدیهی است بهیچ مقامی اجازه نمیدهند که سرنوشت او را ملعبه اغراض خصوصی خود قرار دهد.

دکتر مصدق تصمیمات خود را منحصراً با صدق و ابدید و تجویز ملت بموقع اجراء خواهد گذاشت

در محافل سیاسی با توجه به قطعنامه میتینگ عظیم دیروز که مورد تأیید و تصویب مردم قرار گرفت اظهار میشود که دکتر مصدق بزودی نظر مردم را نسبت به جریانات اخیر بنوعی استعلام خواهد نمود و تصمیمات خود را همانطور که رویه همیشگی او است با استنباط افکار عمومی اتخاذ خواهد کرد.

بنظر محافل سیاسی آنچه اهمیت دارد ماهیت حکومت و میزان دخالت مردم

در امور مملکتی است که در دولت دکتر مصدق به آخرین درجه ممکن تأمین شده است بنابراین باز مامداری مصدق اساساً نگرانی درباره سایر تشکیلات کشور و خصوصاً تشکیلاتی که قانوناً جنبه صوری و تشریفاتی دارد بمورد نیست.

حوادث ایران توجه سیاستمداران کشورهای بزرگ را بشدت بخود جلب کرده است

اکنون در سراسر جهان وبخصوص لندن و واشنگتن حوادث کشور ما بادقت زیادی مورد بررسی قرار گرفته است.

مطلعین اظهار میدارند که هر چند وقایع اخیر ایران بانظریات بعضی از مامداران غربی سازگار نبوده است اما بیگانگان دیگر چاره‌ای جز این ندارند که مناسبات خود را با کشور ما بر اساس مقاصد ملی دکتر مصدق قرار دهند و باین واقعیت تسلیم شوند که دیگر هیچ نیرویی قادر به ساقط کردن حکومت مصدق نیست.

در مخافل سیاسى پیش‌بینی میشود که بعید نیست دولت امریکا بادر نظر گرفتن شکست ننگینی که نصیب سیاست استعماری انگلستان شده است با سیاست بریتانیا در ایران هم آهنگی نکند و قبل از آنکه فرصت را ازدست بدهد تجدید نظری در خط‌مشی سیاست خود نسبت به ایران بعمل آورد.

در حال حاضر سیاستمداران امریکا عقب‌نشینی سیاسى خود را در ایران وسایر کشورهای شرقی بخوبی احساس میکنند و بسیاری از آنها میدانند که بدون شک ادامه رویه فعلی آخرین آثار نفوذ معنوی و اقتصادی امریکا را در شرق از بین خواهد برد.

انعکاس وقایع ایران در کشورهای خارجی

خبرنگاران خارجی اخبار دو روز اخیر ایران را مفصلاً بکشورهای جهان مخابره کرده‌اند.

خبرنگار «یونایتد پرس» که گزارش خود را با فاروق مبنی بر اینکه در آینده نزدیکی فقط پنج‌شاه در دنیا خواهد ماند، شروع کرده است اعلام داشته که اشتباهات

سیاسی و مکرر شاه موجب شده بود که مردم از او منزجر گردند.

«یونایتد پرس» اضافه میکند که هر قدر شاه از مردم فاصله می گرفت مصدق به مردم نزدیکتر می شد بدین معنی که نخست وزیر در هر مورد با فکر و عقاید عمومی احترام میگذاشت و تصمیمات خود را با جلب نظر مردم اتخاذ می نمود.

باختر امروز ۲۶ مرداد ۳۲ | گزارش جریانات سیاسی روز

حوادث اخیر ایران همچنان در رأس اخبار بین المللی قرار دارد. محافل سیاسی بی بحث درباره پیروزی ملت و شکست توطئه گران ادامه میدهند. لندن و واشنگتن با دقت تحولات اخیر ایران را بررسی میکنند. ناظرین سیاسی عقیده دارند که بازمانداری مصدق هر گونه نگرانی نسبت بآینده ایران بمرور است. دکتر مصدق انگلیسها را درین بست عجیبی قرار داده است.

سیاستهای استعماری درین بست
پسابقه ای قرار گرفته اند

نقشه کودتای پریش که به پیروزی ملت و گریز شاه منجر شد و تاجیبی که این حوادث مهم تاریخی در سرنوشت کشور خواهد داشت همچنان مورد بحث محافل سیاسی است.

در محافل مزبور گفته میشود که باین ترتیب توطئه بزرگی که از مدتها پیش انگلیسها و مؤلفین داخلی و خارجی آنها برای در هم شکستن نیروی مقاومت ملت ایران ترتیب داده بودند با عدم موفقیت مواجه شده است و باید منتظر این بود که دیگر لندن شکست ننکین و خرد کنند. اخیر را چگونه جبران خواهد کرد و دیگر چه دسیسه ای برای ادشاه تبايلات شیطانسی خودبکار خواهد برد.

تردید نیست که هر قدر بر پایداری ملت ایران افزوده میشود و هر قدر که این ملت تسلط بیشتری بر امور کشور خود پیدا میکند؛ استعمار گران با مشکلات بیشتری روبرو میگردد و مجبور میشوند نقشه های عظیم تر و خطرناکتری برای مقابله با نیروی شگرف ملت ما تنظیم نمایند.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که شکست توطئه اخیر، انگلیسها را درین بست عجیبی قرار داده و استعمار طلبان بیگانه را بابهت و حیرت مواجه ساخته است.

بطور کلی جریان بهشت ملی ایران و اقدامات دکتر مصدق از ابتدای بهشت، برای زمامداران انگلستان وضع پسابقه ای در شرق بوجود آورده است.

ناظرین سیاسی بی بحث درباره
حوادث ایران و فرار شاه
ادامه میدهند

مطلبین بانوجه بهکاری شاه فراری
با استعمار گران خارجی و محال سرشناس

آنها، نتیجه میگیرند که هر کس با منافع ملت خود نفع مشترکی نداشته باشد و حتی غالباً منافش درجهت عکس مصالح عمومی باشد لاجرم در مواردی که لازم بداند از بیگانگان مدد خواهد خواست و بروی ملت خود تبع خواهد کشید.

اما امروز و شد ملت ایران بجایی رسیده است که دیگر نمیتواند نسبت باین جریانات بی اعتنا باشد و بدیهی است بهیچ مقامی اجازه نمیدهد که سرنوشت او را ملقبه اغراض خصوصی خود قرار دهد.

دکتر مصدق تصمیمات خود را
منحصراً با صوابدید و تجویز
ملت بموقع اجراء خواهد
گذاشت

در محافل سیاسی بانوجه بقطعنامه مینیک معظم دیروز که مورد تأیید و تصویب مردم قرار گرفت اظهار میشود که دکتر مصدق بزودی نظر مردم را نسبت بجریانات اخیر بنوعی استعلام خواهند نمود و تصمیمات خود را همانطور که رویه هیشکی او است پس استنباط افکار عمومی اتخاذ خواهد کرد.

بنظر محافل سیاسی آنچه اهمیت دارد ماهیت حکومت و میزان دخالت مردم در امور مملکتی است که در دولت دکتر مصدق با آخرین درجه ممکن تأمین شده است. بنا بر این بازمانداری مصدق اساساً نگرانی در باره سایر تشکیلات کشور و خصوصاً تشکیلاتی که قانوناً جنبه صوری و تشریفاتی دارد بهرورد نیست.

حوادث ایران توجه سیاستمداران
کشورهای بزرگ را بشدت بخود
جلب کرده است.

اکنون در سراسر جهان و بخصوص
لندن و واشنگتن حوادث کشور ما با دقت
زیادی مورد بررسی قرار گرفته است

مطلبین اظهار میدارند که هر چند وقایع اخیر ایران با نظریات بعضی از زمامداران غربی سازگار نبوده است اما بیگانگان دیگر چاره ای جز این ندارند که مناسبات خود را با کشور ما بر اساس مقاصد ملی دکتر مصدق قرار دهند و باین واقعیت تسلیم شوند که دیگر هیچ نیروی قادر بساقط کردن حکومت مصدق نیست.

در محافل سیاسی پیش بینی میشود که جدیدست دولت امریکا با در نظر گرفتن شکست ننگینی که نصیب سیاست استعماری انگلستان شده است با سیاست بریتانیا در ایران هم آهنگی نکند و قبل از آنکه فرصت و از دست بدهد تجدید نظری در خط مشی سیاست خود نسبت بایران بعمل آورد.

در حال حاضر سیاستمداران امریکا عقب نشینی سیاسی خود را در ایران و سایر کشور های شرقی بخوبی احساس میکنند و بسیاری از آنها میدانند که بدون شك ادامه رویه فعلی آخرین آثار نفوذ منوی و اقتصادی امریکارا در شرق از بین خواهد برد.

انعکاس وقایع ایران در کشور
های خارجی

خبر نگاران خارجی اخبار دوروز اخیر ایران را مفعلاً بکشورهای جهان مخابره کرده اند.

خبر نگار «یونایتد پرس» که گزارش خود را با قارون مبنی بر اینکه در آینده نزدیک فقط پنج شاه در دنیا خواهد ماند، شروع کرده است اعلام داشته که اشتباهات سیاسی و مکرر شاه موجب شده بود که مردم از او منزجر گردند.

«یونایتد پرس» اضافه میکند که هر قدر شاه از مردم فاصله میگرفت مصدق به مردم نزدیکتر میشد بدین معنی که نخست وزیر در هر مورد با فکر و عقاید عمومی احترام میگذاشت و تصمیمات خود را با جلب نظر مردم اتخاذ مینمود.

باختر امروز ۲۶ مرداد ۳۲

آخرین روز عمر دوره هفدهم مجلس شورای ملی چگونه گذشت؟

دیشب با بازداشت دکتر بقائی و زهری طومار عمر دوره هفدهم بسته شد. دکتر بقائی در حالیکه از مجلس بیرون میرفت و میگفت من نماینده ملت و رفرا ندیم برای من قانونی نیست! علی زهری دیشب آزاد شد و امروز صبح بمجلس آمد تا اثاثیه خود را جمع آوری کند - دیروز دکتر بقائی هنگامی بخود آمد که جز زهری کس دیگری در کنارش نبود و کلیه افراد «جبهه واحد» فرار کرده بودند - از «اقلیت» خبری نیست و می گویند بشهرستانها فراری شده اند

از آثار و علائم

امروز از گوشه و کنار از زبان ناطرین اوضاع دیروز و بالاخره از آثار و علائمی که فراریان دیروز بجای گذارده میتوان استفاده کرد و اگر عنوان ناظر آخرین روز مجلس هفدهم می باشد با عنوان ناظر یکروز بعد از انحلال میتوان ملت ایران را از اوضاع مجلس منحل شده مستحضر ساخت مضافاً به اینکه دیروز چند مرتبه تماس تلفنی بسا مجلس داشتم و با یکی دو تن از مخالفین که هنوز برای قانونی یا غیر قانونی بودن رفرا ندوم به بحث و مذاقه مشغول بودند صحبت کردم.

دکتر بقائی

بامداد دیروز دکتر بقائی مطابق معمول خیلی دیر از خواب برخاست و پس از آنکه باتفاق زهری صبحانه صرف کرد شنید که صدای تنی چند از اعضای فراکسیون آزادی می آید!

اینرا قبلاً بنویسیم که دکتر بقائی در طول این مدت همیشه خندان بود خنده های او از آن خنده ها بود که آدم وارد بحریانی بحرفها و اظهار عقیده های اشخاص غیر مطلع میکند، دکتر بقائی هر وقت از جریان روز و سروصدا هائیکه در اطراف او بلند است بحثی بمیان می آید، میخندید، فقط میخندید آنچنانکه همه را بحیرت میانداخت و نظرم هست که او اسط هفته گذشته یکی از نمایندگان مستعفی مجلس که اتفاقاً دوستی دیرین هم با دکتر بقائی دارد و مرد شوخ و بذله گوئی است. بمجلس آمده بود و درسرا باد دکتر بقائی و حائری زاده و کریمی و جمعی دیگر از مخالفین در حضور مخبرین صحبت میکرد او آن روز خیلی حرفها زد و بگوشه و کنایه کنایه ها، باقلیت زد تا آنجا که نزدیک بود کدورتی ایجاد شود.

متأسفانه بنا بخواش همانروز این نماینده مستعفی از ذکر نام او معذورم ولی آنقسمت از بیانات او را نسبت بدکتر بقائی عیناً نقل میکنم:

بقائی بدون کت با آستینهای بسالا زده از پله های سرسرا پائین آمد و نادعلی کریمی را بگوشه برد و مشغول صحبت شد هنگام ظهر بود و مخبرین و آن نماینده مستعفی قصد خروج از سرسرا را داشتند. دکتر بقائی در کنار ستونی ایستاده بود و نماینده مستعفی آمد با او خدا حافظی کند ولی سر صحبت باز شد و باز هم بقائی خندید. آن نماینده مستعفی گفت:

«راستی آقای دکتر بقائی، واقعاً اعجاز طبیعت اینجا بروز کرده که شما چقدر شبیه آن دکتر بقائی که میگویند این همه کارها را کرده و اینهمه سروصدا در اطراف اوست میباشید، راستی قرابتی هم بایکدیگر دارید».

همه خندیدند ولی دکتر بقائی چنان قهقهه زد که پشت سرش بستون خورد

همه ساکت بودند ولی بقائی باز هم می‌خندید چون اطمینان داشت، اطمینان باینکه توطئه‌ها بشمر خواهد رسید.

اما دیروز...

اما دیروز از این خنده‌ها خبری نبود قیافه مضطرب نشان می‌داد که توطئه آخری یعنی آخرین امید مبدل به یأس شد و کودتائی که دکتر بقائی بامید آن همیشه می‌خندید در مقابل قدرت ملت چون حبابی که بروی آب ظاهر میشود محو و نابود گردید.

شاه کجاست؟

بقائی مضطرب بود و با اقلیت تماس نداشت، اقلیت هم در گوشه و کنار با هم نجوا میکردند تماس تلفنی با خارج قطع نمی‌شد، شاه کجاست؟ این حرفی بود که دهان بدهان بین «اقلیت» می‌گشت، بپرسید شاه کجاست. تلفن کنید، تماس بگیرد... ولی از شاه خبری نبود شاه رفته بود تا خشم ملت دامنگیرش نشود و اینها، این وازده‌های اجتماع چون حشرات در خود می‌لولیدند و دنبال شاه می‌گشتند...

اقلیت جلسه تشکیل داد یعنی جلسه اولین و آخرین را، بحث آنها همیشه این بود که حالا چه کنیم، راه نجات از کدام سوست، سرنوشت ما چه می‌شود؟ ولی این حرفها، جواب نداشت و تنها جواب فرار بود، «اقلیت» همه روزه دو بعداز ظهر یا حداقل یکساعت بعداز ظهر در مجلس بودند ولی دیروز یکساعت و نیم بظهر دکتر بقائی را تنها گذاردند تا سرنوشتی را که در پیش دارد به بینند همه رفتند، یعنی فرار کردند و شاید رفتند شاه را پیدا کنند فقط بقائی و علی زهری ماندند بقول یکی از مجلسیان فقط علی مانده و حوضش!

آخرین استراحت

نهار دیروز در میان سکوت صرف شد ولی دکتر بقائی از آب تنی در استخر صرف نظر کرد و در حالیکه مستخدمین مجلس هم می‌شنیدند می‌گفت آخرین آب تنی را هم بکنیم، باز هم سکوت، سکوت، تا عصر و بانتظار آینده.

خبرهائی که میرسید دلخراش بود، ملت پیروز شده شاه فرار کرده عصر میتینگ

است، همان میتینگ که روزی بقائی را مجتمعین آن سردست بلند میکردند.

ما شاه نمیخواهیم

بالاخره عصر شد و اضطراب بقائی افزونتر گردید.

او و زهری بمحوطه آمدند و در فضای مصفای شمال عمارت پارلمان در کنار استخر مشغول قدم زدن شدند از بیرون صدا می آید. صدا بطور وضوح شنیده میشود «ما شاه نمیخواهیم» شنیدن این جمله خیلی قدرت میخواد پس چه بهتر که نشنویم. بقائی و زهری مجدداً باقامتگاه برگشتند تا دیگر این صدا را نشنوند.

از صبح کلیه درهای اطاقها بسته بود و فقط اطاقی که دکتر بقائی در آن اقامت داشت باز بود. صدا هر لحظه شدت می یافت «ما شاه نمیخواهیم» «مصدق پیروزست» چه باید کرد که این ضجه ها شنیده نشود. رادیو، پیچ رادیو باز شد و آهنگ موزونی را يك ایستگاه خارجی می نواخت ولی برای دل پر اضطراب فایده ای نمی بخشید. در اینجا عمر دوره هفدهم و مدت اقامت مخالفین در مجلس که نفسهای آخر این دوره بود پایان رسید و عابراین از کنار کاخ بهارستان می دیدند که فرشهای قرمز رنگ سرسراها را سرایداران شسته و در آفتاب پهن کرده بودند که حتی جای پای اقلیت ورشکسته نیز بروی آن باقی نماند و بدین ترتیب طومار عمر این دوره هم بسته شد.

اقلیت چه می کند؟

از اقلیت فراری خبری نیست. آیت الله کاشانی - حائری زاده - میراشرافی و سایرین مخفی هستند، می گویند کاشانی در کرج - حائری زاده در شمیران رفته و پورسرتیپ بطرف خرم آباد - هدی بسوی اردبیل فراری شده اند ولی صحت و سقم این مطالب را نمیتوان تضمین کرد زیرا نقل قول از کسانی است که باین دار و دسته تماس داشتند آنها بهر کجا که فرار کرده اند، اهمیتی ندارد زیرا وجود و عدم وجود آنها دیگر اثری ندارد، ملت مدتهاست که از میان خود نقاب زده های کـریه المنظر را طرد کرده است و بدیهی است فعالیت و کار شکنی این شکست خورده گان همان اثر

را در مقابل نیروهای شکست‌ناپذیر ملت دارد که سنگینی آن پشه روی شاخ گاونر داشت.

سرهنگ نصیری برآمر رفت و آمد میکرد

بقراری که در شهر بانی امروز گفته میشد در این چندروزه اخیر سرهنگ نصیری عامل کودتای دیشب چندین بار با هواپیما به رامسر رفت و آمد کرده است.

خبرگزاریهای خارجی فرار شاه را چگونه مخابره کردند

ژنرال شوارتسکف که پس از ملاقات با شاه به پاکستان رفت در کودتای تاشریک

بوده است شاه ایران از سلطنت سرنگون شد

در تظاهرات دیروز عناصر چپ هیچ دخالتی نداشتند

تهران - یونایتد پرس - یوسف مازندی چنین گزارش میدهد که امروز گفته

معروف «در نیمه دوم قرن بیستم فقط پنج سلطان در دنیا باقی خواهد ماند یکی پادشاه

انگلیس و چهارتای دیگر روی ورق بازی» در تهران به مرحله عمل درآمد، ملت ایران

یکی دیگر از سلاطین (شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی) را از تاج و تخت سلطنت

سرنگون کرد امری که فوق‌العاده مسلم است اینست که خاندان پهلوی دیگر در ایران

امید بازگشت و یا ادامه حیات ندارند.

محمد رضا پهلوی بایک هواپیمای انگلیسی به لندن عزیمت نمود

یک مثل عربی میگوید «کل شیئی یرجع الی اصله» (هر چیزی باصلش برمیگردد)

از اینجهت محمد رضا پهلوی نیز باصلش مراجعه نمود و به لندن رهسپار شد.

باختر امروز

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۴۴ - ۵ ذیحجه ۱۴۷۳ - ۱۶ اوت ۱۹۵۴ - شماره ۱۱۷۲

این دربار شاهی روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد

بقلم: دکتر حسین فاطمی



تا آنجا رفت که تحت و تاج خویش را در روز موهود از دست گذاشت آیا شام از آن راه میخواهید بروید ؟

ایشان که شما نصیحت میدهند بانهضت مردم چنگ کنید چه کسانی هستند ؟ مگر شما چه بدی از این ملت دیده اید که در صف اول مخالفین او قرار بگیرید ؟

آر روز خیلی صحبت کردیم بالاخره باو گفتم بنابر درسی ام تیر بدستور سفارت انگلیس دکتر مصدق را مجبور به استعفا کردید و سزای آنرا دیدید آیا خیال میکنید ممکن است آن آزمایش تلخ را تکرار کرد ؟ دربار در تمام طول ده سال اخیر قبله گاه هر چه دزد، هر چه بی ناموس و هر چه واخورده اجتماع بوده قرارداد داشته و از همه بدتر تنها تکیه گاه خارجیان و نقطه اتکاء سفارت انگلیس این دربار کند و کثیف و لعنتی بوده است .

من در طول دوازده سال اخیر هرگز باستان این جوان خوش خلق و خال که مثل مار افسرده موقع ضعف و جبن سر درهم میکشد و در فرصت مناسب نیش جانگزی خود را میزند سرفروغ نیاورده ام و این آخرین دفعه هم که بابتکار خودش نشان همایون به من داد هرگز نشان اهدانی او را بر سینه نزنم زیرا میدانم که این «همایون» از قماش همان

یکسرگرسنه از وزارتخانه بکاخ اختصاصی رفتم دیدم شاه از دکتر مصدق کلاه می کند و میگوید مصدق از من رنجیده است بگمان اینکه در حادثه نهم اسفند من دست داشته ام شما چه می گوئید ؟ بی پروا باو گفتم که من تسریع ندارم اعلیحضرت بوجود آورنده این صحنه شرم آور بوده اند بدو چشمان او که خیلی داعیه معصومیت دارند نگاه کرده گفتم بن فرمائید تا کجا میخواهید بروید آیا اعمال فاروق برای شما درس عبرت نیست ؟ فاروق نتوانست نوکری انگلیس ها را کرده پشت بامت خود

ساعت یازده ونیم دیشب چند افسر مسلح و قریب پنجاه شصت نفر سرباز گارد شاهنشاهی شصت تیر بدست مثل راهزنانی که در کتابهای افسانه قرون وسطائی خوانده اید بغانه من ریختند و بدون این که حتی اجازه دهند من کفش پا کنم در برابر شبون طفل یازده ماهه و مادرش مرا به آباد - کاخ سلطنتی - توقیفگاه گارد شاهنشاهی بردند و در هر اطاق خانه ام نیز تا ساعت چهار صبح دوازده سرباز بیست و نه فرمودند در این مقاله نمیخواهم ماجرای این جنایت - این کودتای تنگین - این دستبرد و تجاوز «شاهنشاهی» را به حقوق ملت شرح دهم بلکه میل دارم حقایق را که تا امروز قسمت مهم آن از مردم مخفی مانده است ذکر کنم :

یک هفته بعد از واقعه نهم اسفند در جراید مرکز منعکس شد که من برای عرض گزارش درباره هیئت اصرای ایران بغداد به حضور ملاوکانه مشرف شده ام ! آن روز که ملاقات من با شاه قریب دو ساعت و نیم طول کشید شاید تنها حرفی که نزد من موضوع هیئت اصرای بغداد بود .

پس از حادثه نهم اسفند که دست خود شاه دخالت مستقیم در آن داشت من دیگر تنها آنوقت به دربار نرسفته بودم ولی تا کمان برای گفتن مطالبی تلفن کردم و

باختر امروز

۳ شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ - ۷ ذیحجه ۱۳۷۳ - ۱۸ اوت ۱۹۵۳ - شماره ۱۱۷۴

شرکت سابق و روزنامه‌های محافظه کار لندن دیروز عزادار بودند

بقلم دکتر حسین فاطمی:

لحن دیروز اخبار و تفسیرهای مطبوعات و رادیوی انگلیس بسیار غم‌انگیز، ماتم‌خیز و سوزناک بود. همینکه بلندن خبر رسید که دستور «ارباب» نتوانست کاملاً بموقع اجرا درآید و نوزاد ناپاک «کودتا» در مشیمه مادر خفه شد تأثر عمیق همه آن مجالس را که هنوز از محصول کودتای «آیرن‌سید» کلنل همراه والهام‌دهنده رضاخان - بهره می‌بردند و دربار را مجری اراده و تعالیم خود می‌دانستند فراگرفت و بیشتر از همه روزنامه‌های محافظه کار برای «فراری بغداد» گریه و ناله سردادند و نوشتند آخرین حربه‌ای را که ممکن بود با کمپانی سابق قرار و مدار سازش بگذارد از دست ما بیرون رفت و فرار او قدرت و قوت بیشتری بملت ایران داد تا شانه‌های خودش را

بهر قیمتی که هست از نفوذ خارجی رهایی دهد.

لندن که یکصد و پنجاه سال است در شرق تاج میدهد و تاج می ستاند، سلسله منقرض میکند، دودمان پادشاهی می سازد، خرابه نشین را بکاخ سلطنتی می کشاند و دوستان ملت ها را بخاک سیاه می نشاند، چند سال است از قیام مردم ما سخت رنج میبرد و نه تنها جزیره آبادان و خاک زرخیز خوزستان و نفوذ در تمام کشور پهناور ایران را از دست داده بلکه رستاخیز ملی ما سرچشمه و منشاء قیامهایی شده که تمام شرق میانه و افریقا را زیر نفوذ معجز آسای خویش گرفته و قدرت خدایسان نفت را آنچنان درهم شکسته که تاریخ امپراطوری «ملکه الیزابت» یک چنین حادثه عجیب و حیرت بخشی را تا با امروز هرگز بیاد ندارد. انگلیس ها هنوز خیال میکردند از دربار بی شرم، از دربار منفور، از دربار دشمن ملت و از یک قانون پلیدی و انتمراض کاری ساخته است و «فراری بغداد» برای آخرین نفس خواهد توانست جنبش مردم قهرمان ما را در جلوی پای اردان غارتگر قربانی کند و مزد این خیانت عظیم بمنافع و استقلال و آزادی مردم خویش را یکبار دیگر از ایشان بستاند.

اما او کابینه حکیم الملک که مسافرت شاه بلندن فراهم آمد و او توانست پس از فرار پدر و پیش آمد جنگ دوم جهانی از نو با کعبه آمال دربار تجدید عهد کامل کند و در طی همین مسافرت بود که طرح قرارداد الحاقی ریخته شد و موجبات فشار و تهدید بملت از نو فراهم آمد و نقشه «بوین از دنیا رفته» برای تغییر قانون اساسی و افزایش اختیارات شاه مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. «کمدی» پانزده بهمن فقط از این نظر درست شد که زمینه برای تصویب قرارداد الحاقی و ایجاد «مؤسسان» قلابی و حبس و تبعید و زجر آزادیخواهان و مخالفین انگلیس کاملاً حاضر و مهیا گردد. آنکسی که برای درهم شکستن قدرت ملت چندین اصل از قانون اساسی را بوسیله مؤسسان «نصر الملک» و با آراء پاروئی سپورهای شهرداری تهران و ولایات تغییر داد و اختیار انحلال مجلس را در هر لحظه و هر وقت که بخواهد منحصر به اراده لرزان و متغیر خود ساخت و راه فشار اجنبی را بمملکت صاف و هموار کرد و لیست انتخابات

هر دوره تقنینیه را با نظر وابسته‌های کوچک و گمنام سفارت انگلیس فراهم می‌آورد امروز در نظر تایمز «برای تعلیم و تربیت غربی خود یکی از پشتیبانهای پر حرارت رژیم پارلمانیست».

برای انگلیس‌ها رژیم پارلمانی یعنی رژیمی که يك لیست صد و بیست سی نفری را کلنل «ویلر» و دکتر اقبال بنشینند و بتصویب شاه برسانند و بوسیله پادشاهانهای نظامی صورت مجلس انتخابات آنها را تهیه و بمنظور تصویب قرارداد الحاقی یا عهدنامه اسارت نظیر آن پیمان بوکلای فرمایشی عرضه نمایند.

آن رژیم پارلمانی که «تایمز» «فراری بغداد» را هواخواه آن می‌شناسد عبارت از آنچنان رژیمی است که چند اصل از قانون اساسی حقوق ملت را اراده هوسباز درباریان لگدکوب کند و در روزهایی که سیل اعتراض و طوفان نفرت از این اعمال زشت و قبیح برمی‌خیزد همین «تایمز» می‌نویسد که فقط صد و هشتاد نفر برای اعتراض بانخابات به پیشوائی دکتر مصدق دربار رفتند.

در روزهایی که انتخابات دوره پانزدهم انجام می‌شد و تهران یکبار دیگر بوضع انتخابات دوره سردار سپه افتاده بود این «پشتیبان پر حرارت رژیم پارلمانی» همه آن خطا کارها را با فرستادن چند وکیل شخصی نادیده گرفت و هنگامی که ساعد و اقبال و هژیر کمپانی انتخابات دوره شانزدهم را بوجود آورده بودند و لیست «سفارت» در شهرستانها توفیق کامل پیدا کرد در آن دو سه روزیکه ما متحصن شده بودیم فقط جوابی که «پشتیبان پر حرارت رژیم پارلمانی» بدکتر مصدق داد این بود که اعتراضی اگر هست در موعد مقرر بانجمن‌ها بدهند!

مردم قهرمان تهران که از نزدیک جنایات دربار را بچشم خود میدیدند و مداخلات علنی شاه و اشرف و ملکه مادر هر دقیقه چون خار در چشم آنها فرو میریخت پیاخاستند و تصمیم گرفتند که نگذارند بحقوق آنها تجاوز شود و با همه صندوق سازها و رسوائیهای عوامل درباری بالاخره موفق شدند هفت نفری را که هواخواه «دکتر

مصدق» شناخته شده بودند به بهارستان روانه نمایند.

شاه که از حامیان جدی و سرسخت قراردادالحاقی بود و جلسات کابینه در آنوقت در حضور خودش تشکیل میشد ساعد و وزیرای بی‌اراده‌اش را بقتدیم لایحه الحاقی مأموریت داد و میخواست وعده‌ای را که در سفر «لندن» باربابان خود داده است هرچه زودتر وفا کند و چون تصویب آن به آخر دوره پانزدهم نرسید اطمینان داشت که در دوره شانزدهم خواهد توانست بادرست داشتن اختیار انحلال مجلس کار را یکسره کند.

سنای اشرافی مرکب از اکثریت سرسپردگان سفارت انگلیس راهم برای تجدید حقوق ملت در قلب بهارستان بوجود آورد وعده‌ای از منفورترین و کثیف‌ترین پادوهای چهل پنجاه ساله سفارت را به آنجا فرستاد و بجای دکتر مصدق که وکیل اول انتخابات سنا بود ابراهیم خواجه‌نوری را که مورد حمایت و سفارش «لله آقا» و نفر هفتاد و پنجم قرارداداشت به سنا فرستاد و مجلس مشورتی «فراماسیونها» باینصورت بملت محروم ایران تحمیل گردید.

شاه با همه تلاش و کوششی که بکار میبرد و یکایک و کلا را برای تصویب قرارداد الحاقی بکاخ احضار میکرد در برابر اراده ملت مقهور شد و جبهه دکتر مصدق ابتدا توانست قرارداد الحاقی را در کمیسیون رد کند و بعد پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را از مجلس بگذراند.

همان روزی که دکتر مصدق از مجلس رأی تمایل گرفته بود تقی‌زاده و حکیم‌الملک و رجال دیگری که از آستین سفارت درآمده بودند بلافاصله شاه را ملاقات و به او گفته بودند فرمان نخست‌وزیری دکتر مصدق را امضاء نکن. گمان میکنم غروب شنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۳۰ بود که من شاه را ملاقات کردم و حتی از در اطاق وارد شدم رو بمن کرد و گفت: پیشوایتان هم که آمد، با آن نطق کذائی برضد مؤسسان از من فرمان نخست‌وزیری میخواهد؟ گفتم، حوادث بی‌شمار سبب شده که دکتر مصدق امروز زمامدار بشود، بدکتر مصدق نمیشود فرمان نخست‌وزیری نداد زیرا معمولاً

درجا‌های دیگر رئیس‌الوزرا باید مورد اعتماد ملت باشد و همین شرط اساسی و اصلی کار اوست و چون دکتر مصدق مورد اعتماد مردم ایرانست خیلی بنفع اعلیحضرت نخواهد بود که حرف‌های مغرضین و مخالفین را بشنوید.

گفت: با مؤسسان چه خواهد کرد؟ گفتم این موضوع فعلاً مورد بحث نیست. صحبت‌های او اینطور نشان میداد که از قدم اول سرسازگاری با ملت را ندارد و فقط کسی را میخواهد که مطیع صرف و غلام حلقه بگوش اداره اجرائی سفارت یعنی «دربار» باشد.

حوادث بعدی نشان داد که او مرد میدان همراهی با ملت نیست و هر وقت بتواند خنجر را بقلب هموطنان خود فرو میبرد. مگر مسئول حقیقی کشتارسی‌ام‌تیر و روی کار آمدن حکومت منفور چهارروزه قوام‌غیر از او دیگری میتواند باشد؟ سفارت از او خواست و «فراری بغداد» نیز که هر روز و هر دقیقه عظمت امپراطوری را بگوشش میخواندند خیال میکرد تخلف از دستور سفارت برای بشر ذیروح امکان‌پذیر نیست. اگر يك‌روز اوراق و اسناد پول‌هائی که در راه کشتن نهضت مردم ما از طرف «دربار» پخش شده کاملاً کشف شود آنوقت خواهید فهمید که فحش‌های روزنامه‌ها و اعلامیه‌های اقلیت و مخالفت‌های این و آن از چه «منبع موثق» آب میخورده است.

اکنون مطبوعات انگلیسی و «سر ویلیام فریزر» در «بریتانیا» هاوس» دزعا و ماتم فرو رفته‌اند زیرا کاخی را که سی و دو سال پیش «آیرن‌سید» خشت اول آنرا بنا گذاشت پریروز در برابر قوای ملت تسخیر شد و بزرگترین پایگاه انگلیسی در ایران درهم فرو ریخت.

«پشتیبان پر حرارت رژیم پارلمانی» تایمز اکنون در آنسوی مرزهای ایران در انتظار سرنوشت «محمد علی میرزا» است اگر روزی در گوشه غربت فرصت فکر کردن پیدا کند ممکن است وجدان خفته‌اش بیدار شود و به او اندکی مجال مرور

در حوادث گذشته را بدهد بدبخت‌ترین و ننگین‌ترین مردم آنکسی است که راه خدمت
بوطن را از دست بگذارد و طریق خیانت علنی و آشکار را اختیار کند.

«فراری بغداد» نوکری و بردگی انگلیس را بر پادشاهی ملت خود ترجیح داد

سعدی چه خوب مکنون ضمیر مرا در این شعر آورده است:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود

گرچه با آدمی بزرگ شود

باختر امروز ۲۷ مرداد ۳۲

گزارش جریانات سیاسی روز

پیروزی بزرگ ملت احساسات پرشوری را در سراسر کشور ایجاد کرده است

ناظرین سیاسی اکنون دکتر مصدق را یکی از کار آزموده ترین سیاستمداران جهان می دانند

بافزار محمد رضا پهلوی در حقیقت در سفارت انگلیس در ایران بسته شد

مطبوعات انگلیسی دروغ پندازی خود را درباره حوادث ایران مجدداً آغاز کرده و از محمد رضا پهلوی حمایت می کنند

ناظرین سیاسی بحث درباره وقایع ایران ادامه می دهند
حوادث ایران همچنان در رأس اخبار جهان قرار دارد و مفسرین سیاسی در همه جا اوضاع و احوال کشور ما را با دقت بی سابقه ای بررسی می نمایند.
روز گذشته عده زیادی از روزنامه های معتبر دنیا مقالات اساسی خود را به حوادث ایران اختصاص داده و در اطراف تحولات آینده ایران پرداخته بودند.
بطور کلی ناظرین سیاسی شکست توطئه اخیر را بعنوان بزرگترین پیروزی

دکتر مصدق و ملت ایران تلقی کرده‌اند.

همانطور که قبلاً نیز اطلاع دادیم شکست این توطئه در محافل سیاسی انگلیس تأثیر بسیار نامطلوبی داشته و روزنامه‌های وابسته به حزب محافظه کار شروع به انتشار مطالب مغرضانه و نادرستی نسبت به حوادث اخیر ایران کرده‌اند.

روزنامه «دیلی تلگراف» که افکار محافظه کاران را منتشر می‌سازد ضمن بحث مفصلی که درباره اوضاع ایران بعمل آورده نسبت به آینده این کشور اظهار تأسف کرده است روزنامه «تایمز» نیز که معروف است روزنامه مستقلى است ضمن انتشار وقایع کشور ما، سوءنیت خود را مخفی نداشت و ریشه اختلافات شاه را با دکتر مصدق در یک رشته عوامل غیر واقعی و ظاهری جستجو کرده است.

مطلعین اظهار عقیده میکنند که با همکاری مداوم شاه با استعمارگران بیگانه دلسوزی و حمایت مطبوعات ارتجاعی انگلیس از شاه تعجبی ندارد و باید منتظر بود تا انگلیسها با اخبار ساختگی و مجعول دیگر بازم به منحرف ساختن افکار عمومی مردم جهان نسبت به اوضاع ایران ادامه دهند.

شور و هیجان مردم در سراسر کشور توجه محافل سیاسی را به خود معطوف داشته است.

اخباری که از سراسر کشور مبنی بر ابراز نفرت از عمل ننگین توطئه‌گران می‌رسد توجه محافل سیاسی را بخود جلب کرده است.

این اخبار پرهیجانی که توأم با ابراز احساسات مردم در تهران، انتشار می‌یابد حاکی از آنست که ملت ایران تاریخ قطع نفوذ کامل سیاستهای استعماری را از روز ۲۵ مرداد یعنی روزی که شاه توطئه‌گر فرار کرد میدانند.

محافل مزبور پناهنده شدن محمدرضا پهلوی را به سفارت انگلیس در بغداد با پناه بردن محمد علی شاه به سفارت روسیه تزاری مقایسه کرده و نتیجه میگیرند که عناصر خائن در همه حال وقتی آتش خشم ملت را نسبت بخود مشتعل می‌بینند به دشمنان ملت و بیگانگان پناهنده میشوند. تظاهرات پرشوری که روز گذشته از طرف

مردم تهران بعمل آمد و طی آن بر اثر تصمیمی که بوسیله احزاب ایران و نیروی سوم و پان ایرانیست و اصناف گرفته شده بود مجسمه‌های دیکتاتور خیانت‌پیشه‌ای سرنگون گردید، در نظر مطلعین انعکاسی از خشم و غضب ملت نسبت به کسانی هست که به منافع و مصالح او خیانت کرده و مصلحت عمومی را فدای طمع ورزی‌های بیگانگان نموده‌اند.

رژیم آینده کشور فقط بانظر مردم تعیین خواهد شد.

اکنون در محافل مختلف نسبت به تحولات سیاسی کشور پس از حوادث اخیر، گفتگوهای مختلفی جریان دارد.

آنچه که در حال حاضر بطور قاطع میتوان اظهار داشت این است که با کشف توطئه خائنانانه اخیر و فرار محرك اصلی توطئه سلطنت از خانواده پهلوی برچیده شد البته برای تعیین رژیم آینده مملکت همانطور که دیروز هم متذکر شدیم دکتر مصدق منحصرأ نیات مردم را اجرا خواهد کرد و هیچگونه تصمیمی بدون استنباط افکار عمومی اتخاذ نخواهد نمود.

بدیهی است خوانندگان ما توجه دارند که آنچه در سرنوشت يك ملت تأثیر دارد ماهیت حکومت‌هاست نه تشریفات صوری و ظاهری آنها. بنابراین وقتی ماهیت يك حکومت دمکراتيك باشد و مردم بر جریان امور کشور خود تسلط داشته باشند هیچ مقامی از شاه یا رئیس جمهور نخواهد توانست حقوق ایشان را مورد تجاوز قرار دهد.

البته همانطور که گذشت دولت مصدق نه تنها در بساره امور ماهوی بلکه درباره تشریفات صوری سازمانهای مختلف کشور نیز اجراکننده بدون قید و شرط نظریه ملت خواهد بود و هر رژیمی که مورد تمایل مردم باشد برایشان حکومت خواهد کرد.

اخبار مربوط بکودتای گار شاهنشاهی در سراسر جهان بعنوان مهمترین خبر روز منتشر شده است. در کلیه محافل سیاسی کشف

توطئه اخیر پیروزی درخشانی برای دولت و ملت ایران محسوب گردیده است
 بی اثر شدن نقشه توطئه گران در محافل سیاسی لندن اثر بسیار

نامطلوبی داشته است

ناظرین سیاسی همچنان بی بحث درباره اختلافات و بلوک جهانی ادامه میدهند

استعمار هیچگونه مجال خرابکاری و سیاست ندهند تردید نیست که وقایع مربوط بکودتای نظامی که کشف آن پیروزی مهمی برای دولت و ملت محسوب میشود، مردم ایران را از همیشه بیدار تر خواهد کرد و رشته اتفاق و اتحاد بین آنها را محکمتر خواهد نمود.

اکنون بآردیکر ملت ایران در پیرامون رهبر مدبر و خردمند خود جمع میشود و او را برای مقابله با بیگانگان و عوامل آنها یاری میدهد. بر دولت است که از نیروی عظیم مردم مدد بگیرد و با استفاده از جریانات اخیر، کسانی را که برای مطامع پست خود حاضرند با سر نوشت ملتی بازی کنند از عرصه سیاست طرد نماید.

انعکاس اخبار مربوط بکودتا در خارج

خبر کشف توطئه در محافل سیاسی لندن با مصیبت تلقی شده است زیرا وزارت خارجه انگلیس برای طرح و تنظیم این کودتا متحمل زحمات و صرف وقت بسیاری شده بود.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که استعمار طلبان با وجود شکست های عظیمی که در ایران خورده اند باز هم از پای نخواهند نشست و دائماً برای ساقط کردن حکومت مصدق که مانع بزرگی در سراسر شرق برای آنان بشمار میرود در تلاش و نكاپو خواهند بود.

ناظرین مزبور اضافه میکنند که بیداری ملت ایران مجال سوء استفاذه و ناخث و ناز را سیاست های استعماری نخواهد داد و هر توطئه ای را در بطن خاموش خواهد خفت.

چنین فعالیتهایی که از طرف اقلیت سابق مجلس و باند های ارتجاعی دیگر انتشار یافت بطوریکه خوانندگان گرامی اطلاع پیدا کرده اند شب گذشته يك توطئه شیعیانی در تهران بمرحله اجراء درآمد که بر اثر کاردانی وحسن تدبیر نخست وزیر بطرز شکست انگیزی خنثی گردید.

ظاهراً توطئه کران تصیم داشته اند قبل از آنکه فرمان انتخابات صادر شود و انحلال مجلس رسماً اعلام گردد کار دولت را بگریه کنند و بهایال خود ملت هم ایران را مجدداً در بند نمایند.

اما ملت واقع بینی و وظیفه شناسی مامورین دولت و فراست و ذوراندیشی دکتر مصدق این جنایت عظیم که تکمیل کننده جنایات سابق بود بی اثر شد و بار دیگر پیروزی درخشانی نصیب ملت ایران و دولت برگزیده او گردید.

محافل سیاسی بی بحث درباره توطئه اخیر ادامه میدهند

خبر کشف توطئه و جریاناتیکه منجر بایجاد آن شده است اکنون مورد بحث محافل سیاسی داخلی و خارجی میباشد.

محافل مزبور در حالیکه کوشش دارند عوامل توطئه را کاملاً بشناسند و از تا کنیک آنها جزء بجزء اخلاص حاصل کنند، معتقدند که دولت مصدق باید این بار لیبرالسم و آزاد منشی مخصوص خود را که با فعالیت های تخریبی مخالفین متناسب نیست کنار بگذارد و بدون اندکی درنگ و تأمل عوامل توطئه را در هر درجه و مقامی که باشند طبق قانون بکیفر برساند.

ضرورت تاریخی و مقتضیات سیاسی در حال حاضر ایجاب میکنند که مردم با هشیاری هر چه بیشتر تشیقات خائنانه بیگانگان را بشدت خنثی نمایند و بابادی

سیاستهای استعماری همچنان بانهضت های ناسیونالیستی ملل کوچک دشمنی میورزند

باید دانست که فعالیت بلوکه های جهانی منحصر بخنثی کردن اقدامات یکدیگر نیست بلکه دول بزرگ بهمان اندازه که باهم اختلاف دارند نسبت بپنهنهای ملی و ناسیونالیستی کشورهای کوچک نیز خصومت میورزند.

تلاشهای ناجوانمردانه ای که از ابتدای نهضت ملی ایران از طرف استعمار طلبان انگلیسی برای بزاندور آوردن مردم محروم کشور ما بعمل آمده نمونه ای از جنایات تاریخی دولت های استعماری بشمار میرود.

بدنبال هر پیروزی که نصیب ملت ایران میشود شکستی عاید انگلستان و طرفداران کابینه چرچیل میگردد و آنها را ب فکر تشبثات و تلاشهای اهریمنی تازه ای میاندازد.

رای ملت ایران بانحلال مجلس پیش از آنچه انتظار میرفت بمراسمات طلبان کران آمد و این امر در بین زمامداران لندن با نهایت تلخی تلقی گردید.

پس از برکناری آخرین عوامل سیاستهای بیگانه از صحنه سیاست کشور امید انگلستان باینکه از طریق پارلمانی بتواند لااقل موجبات تضعیف دولت مصدق را فراهم سازد مبدل بیاس شد و لندن تصمیم گرفت بآردیکر بکمک مؤلفین داخلی و خارجی خود با يك توطئه ناجوانمردانه دولت ملی ایران را ساقط سازد.

کودتائی که بشکست منتهی شد در تنقیب اخباری که مرتباً از رفت و آمد بعضی از درباریان بخارج و داخل کشور باطلاع مردم میرسد و پس از آنکه اخبار مربوط بسافارت شوارتسکف و هم

باختر امروز ۲۷ مرداد ۳۲
ترس انگلیس از قیام مردم؛

از مطبوعات اروپا

قبل از کودتای دربار چرچیل اطمینان داده که حکومت دکتر
مصدق ساقط می شود

**نفوذ صدساله انگلیس مانند سرطان ریشه دوانیده و شبکه
جاسوسی بریتانیا هنوز در ایران فعالیت میکند**

روزنامه دیش مادوکن می نویسد وقایع ایران در این دوسه ساله تابع جریاناتی
شده است که در بوجود آوردن این جریانات که در درجه اول ملی شدن نفت و حفظ
استقلال مملکت ایران و جلوگیری از مداخله بیگانگان قرار دارد و دکتر مصدق
سهیم بوده و اکنون قادر به تغییر این جریان نمی باشند و این جریانات تا به نتیجه مثبت
منتهی نشود اوضاع ایران از نظر سیاست بین المللی معین و مشخص نخواهد شد فعلا
هنوز دولت انگلستان به انتظار نشسته است ممکن است حالت رکود در مورد نفت
ایران مدتی طولانی ادامه یابد تا محیط مناسب و مساعدی برای تجدید مذاکرات
بعمل آید انگلیس ها همواره میگویند که با وجود دکتر مصدق در رأس دولت شروع

مذاکرات جدید برای حل قضیه غرامت بیهوده است ولی انتظار و عدم نتیجه از انتظار سقوط دکتر مصدق آنها را بر آن خواهد داشت که مجدداً با دکتر مصدق وارد مذاکره شوند فعلاً وضعی در ایران پیش آمده است که پیش‌بینی حوادث آینده برای هیچکس ممکن نیست و دیگر نمیتوان گفت مسئله بخرنج نفت که از نظر ایرانیها حل شده است از نظر انگلیس‌ها چگونه حل خواهد شد آنچه مسلم است در مورد حل این قضیه از نظر کلی پافشاری و سماجت دکتر مصدق باقی است و در نظریه او هیچگونه تغییری حاصل نگردیده است و هرچه دولت انگلستان در این مورد امید و انتظار داشته باشد اوانس‌های سابق را نیز از دست خواهد داد.

روزنامه ایلوستره می‌نویسد دولت انگلستان برای برکناری دکتر مصدق و موفقیت بر ایران تا کنون اتوهای برنده زیادی در این کشور بکار برد و هنوز نتیجه نگرفته است زیرا قدر مسلم اینست احساسات ملی که در ایران بر علیه انگلیس‌ها تحریک شده است به این سهولت خاموش‌شدنی نیست.

روزنامه دیش می‌نویسد وقتی از چرچیل در مورد ایران سؤال شد جواب می‌داد که در ایران ما امیدواری قطعی به سقوط دولت دکتر مصدق داریم ولی با اقداماتی که در ایران صورت گرفته مخصوصاً مسئله رفراندوم ثابت شده است که موقعیت دکتر مصدق نه فقط تضعیف نگردیده است بلکه تقویت نیز شده است و معلوم نیست که چرچیل با چه عاملی برای برکناری دکتر مصدق امیدواری دارد اکنون در محافل سیاسی واشنگتن یک نوع حالت انتظاری درباره ایران بوجود آمده است باید دانست گرچه کنسولگریهای انگلستان در ایران بسته شده و شرکت نفت از میان رفته و دست انگلیس ظاهراً از این کشور قطع گردیده است مع هذا باز انگلیس‌ها برای انجام نقشه‌های خود وسایل زیادی در اختیار دارند نفوذ صدساله انگلستان در ایران چیزی نیست که به این زودیها بتوان آنرا ریشه کن نمود دستهای انگلستان مانند سرطانی در ایران ریشه دوانده و شبکه گسترده است انگلیس‌ها نه فقط هنوز در میان عشایر و ایلات ایران گرم فعالیت میباشند بلکه در تهران پایتخت کشور ایران

به فعالیت‌های مخفیانه خود ادامه می‌دهند و عوامل انگلیسی هنوز در بعضی از محافل ایران کار می‌کنند و چندبار بوسیله عوامل خود کارهایی کردند اما نگرفت ولی به فعالیت ادامه می‌دهند، لا کرو آ می نویسد اگر بخواهیم راجع به حکومت دکتر مصدق و درجه محبوبیت و نفوذ او در میان مردم ایران پی ببریم بهترین محک آزمایش رفتارندوم در ایران بود که با وجودیکه سابقه نداشت استقبال شایانی از طرف مردم بعمل آمد در این رفتارندوم مردم ایران ثابت کردند طرفدار نقشه و اقدامات حکومت دوساله و آینده دکتر مصدق می‌باشند. استقبال بی نظیر مردم ایران و آراء معتنا بهی که برای انحلال مجلس ۱۷ دادند نشانه کامل علاقه و اعتماد و اطمینانی است که مردم ایران به دکتر مصدق و حکومت او دارند گرچه در این مدت دوسال مبارزه مشکلات اقتصادی و مالی و بحرانهای مختلف باعث ناراحتی مردم شده است ولی دکتر مصدق يك کار بزرگ کرده است و آن قطع نفوذ بیگانگان از ایران و تأمین استقلال سیاسی ایران بوده است ایرانیها برای خاطر این عمل بزرگ به دکتر مصدق احترام می‌گذارند و به او ابراز اعتماد می‌کنند و ابراز اعتماد نشان می‌دهد که ملت ایران حاضر است مشکلات و مصائب کنونی را به خاطر حفظ استقلال و حق حاکمیت خود تحمل کند ولی با همه این احوال دولت بهاشیاری بودجه کشور را بصورت متعادل در آورد و حقوق کارمندان پرداخت گردید و اصلاحات دیگری انجام گردید که نتایج آنها بعداً معلوم خواهد گردید.

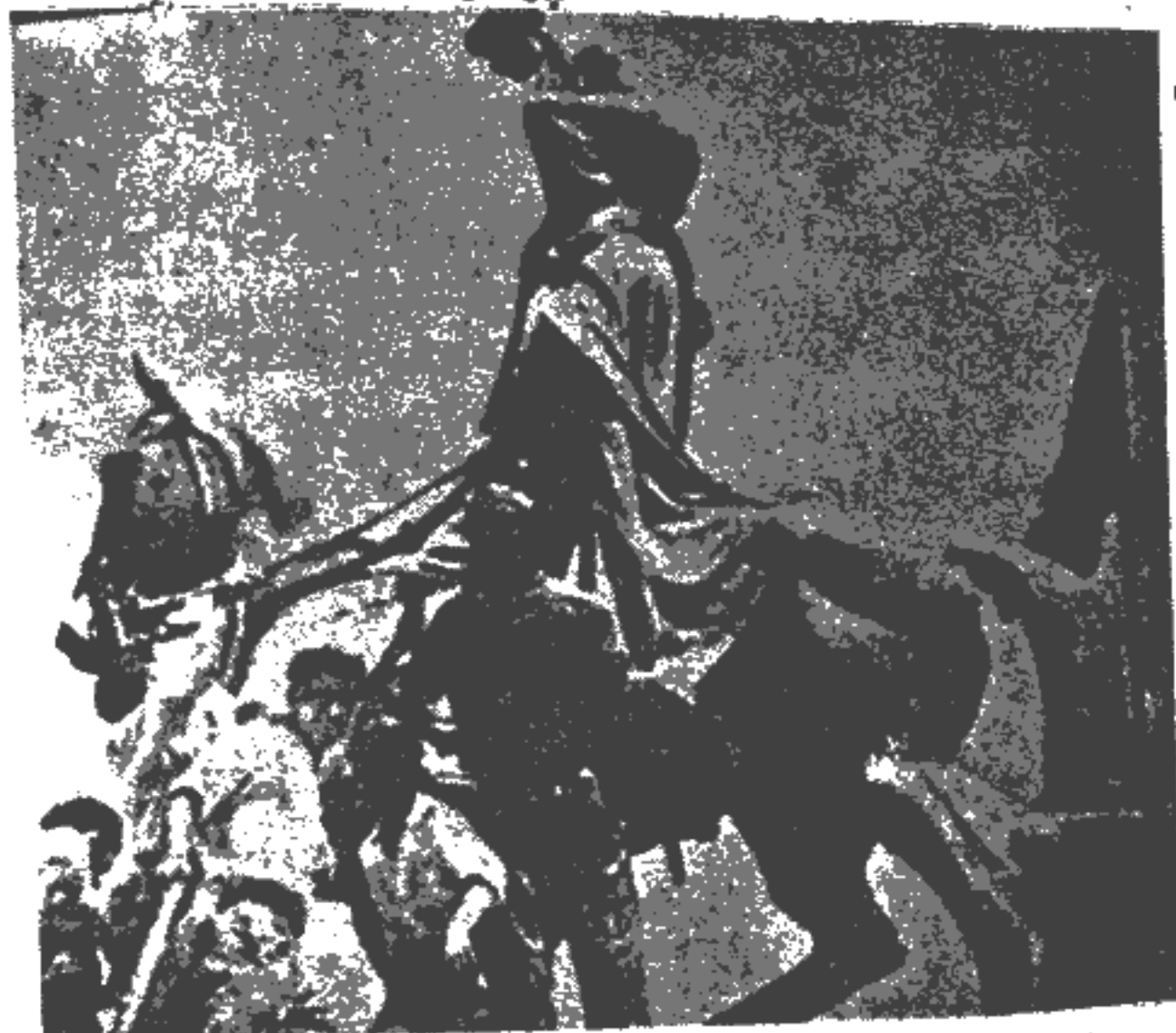


باختر امروز ۲۷ خرداد ۳۲

ملت بت شکن

جوانان پرشور و مبارز احزاب ملی از صبح دیروز اقدام به پائین آوردن مجسمه‌های دیکتاتور ۲۰ ساله و پسر خیانکارش نمودند

در میدان‌های مختلف شهر همه جا مردم مبارز و شرافتمند تهران فریادشادی و شغف میکشیدند پس از ۳۲ سال عصر دیروز اثری از بت‌های خاندان پهلوی در میدان‌های مختلف شهر دیده نمیشد. ما پیشنهاد میکنیم که مجسمه‌های دیکتاتور سیه کار را برای ضبط در موزه جنایات خاندان پهلوی نگاهداری کنند



اولین بت که شکسته شد
اولین بتی که
می‌بایست شکسته شود
و با شکسته شدن آن
انقراض یک خاندان
جنایت‌پیشه و خیانت‌کار
بعجانیان ثابت گردد
بتی بود که در میدان
بهارستان از رضا خان

۲۰ سال رضا خان میرپنج بدستکاری انگلیسها بر گردن ملت سوار
بود، دیروز ملت برای سرنگون ساختن مجسمه او بر گردنش سوار
گردید

قدر قرار داشت. سربازان از جان گذشته و مصمم نهضت ملی - این سربازان گمنام و مبارز وفادار به نهضت مقدس ایران مثل يك موج خشم و کینه مصمم و بااراده خود را به میدان بهارستان رساندند و چند تن از این سربازان نهضت با استفاده از نردبان به بالای مجسمه رفتند.

تماشای این منظره چنان وجد و سرور و نشاطی در میان مردم ایجاد کرده بود که حتی تماشاچیانی هم که در پیاده‌روهای میدان بهارستان اجتماع نموده بودند تا چند دقیقه کف میزدند و هورا میکشیدند. این فریاد شادی و شغف برای این بود که مردم ستم کشیده پس از ۳۲ سال که خاندان ننگین پهلوی خون آنها را در شیشه کرده و برای ارضای حس شهوت و خودپرستی و نوکر صفتی خود هر روز جرعه‌ای از آن را می نوشیدند اکنون می دیدند که دیگر اثری از آن همه قلدری و زورگوئی دیده نمیشود و برای همیشه بساط مفتضح و ننگ آور دربار پهلوی درهم کوبیده می شود.

سربازان مبارز نهضت ملی با پتک و کلنگ مشغول کوبیدن مجسمه شدند اما چون این مجسمه‌ها از چند نوع اجناس محکم ترکیب شده و بسیار سخت و محکم است ضربات کلنگ و پتک بر قسمتهای مختلف آن بی اثر بود.

می بایست برای فرو کوفتن آن فکر دیگری نمود بدینجهت دوتن از سربازان احزاب ملی با تا کسی خود را به دروازه قزوین گاراژی که در آن جرثقیل موجود است رسانده و پس از نیمساعت بایک ماشین حامل جرثقیل به میدان بهارستان وارد شدند و بلافاصله جرثقیل در کنار مجسمه قرار داده شد و زنجیرهای آن برگردن و کمر مجسمه رضا خان دیکتاتور نصب گردید و مردم اطراف مجسمه را خالی نموده و ماشین حامل جرثقیل بحرکت درآمد و بایک تکان مجسمه شخصی که روزی خود را دارای بزرگترین قدرت دنیا می دانست - شخصی که در مدت بیست سال سلطنت ننگین خود صدای هر آزادیخواهی را در گلو ضبط کرده بود شخصی که مدرسه‌ها را خفه نموده بود از اوج قدرت بخاک تیره روزی و ذلت سرنگون شد و فریاد شادی و هلهله از جمعیت بلند شد و میدان بهارستان تا ۵ دقیقه یکک پارچه احساسات گشت و

فریاد «مصدق پیروز است» «مرگ بر خاندان پهلوی» در سراسر میدان بهارستان شنیده می‌شد.

مهندس حق شناس و مهندس زیرک‌زاده را با لباس خواب به بازداشتگاه آوردند.

دنباله حرف از وزیر راه

مهندس حق شناس که خانه‌اش در زعفرانیه است و باسرتیب ریاحی و مهندس زیرک‌زاده بایکدیگر در يك خانه زندگی می‌کنند تعریف می‌کند که مقارن نیمه‌شب عده‌ئی سرباز از دیوار به خانه ما وارد شدند و تمام منزل را تصرف کردند. نخست دختر سرتیب ریاحی را که استراحت کرده بود بیدار کرده و او را تهدید کردند که پدرت کجاست؟

سپس به اطاقهای دیگر ریختند و من و مهندس زیرک‌زاده را بازداشت کردند و بوسیله اتومبیل ما را به سعدآباد بردند.

هرچه اصرار کردیم که اجازه بدهند لباس بپوشیم اجازه‌ندادند و ما را دست به آسمان (علامت تسلیم) رو بدیوار نگاه داشتند بطوری که ما خیال کردیم آن‌ا قصد اعدام ما را دارند.

در راه محافظین گفتند که سایر وزرا و خود نخست‌وزیر هم دستگیر شده‌اند و بهیچوجه جای حرفی نیست.

حق شناس و زیرک‌زاده را به اطاق دکتر فاطمی بردند در اینجا صدای خنده دکتر بلند شد که «خوش آمدید - اظهار لطف فرمودید...»

رئیس ستاد چه میکرد

رئیس ستاد آنطوریکه می‌گویند قبلاً به منزل رفته و در راه چون يك جیب با سه افسر نزدیکیهای منزل خود می‌بیند به ستاد آرتش می‌رود.

دکتر فاطمی نقل می‌کند که : حق شناس و زیرک‌زاده را آوردند و من برای آنها «قصه پادشاه یمن» را تعریف کردم و چون روحیه‌ها را مساعد دیدم شروع به

بحث‌های خودمانی نمودیم در این وقت به ستوان یکمی که محافظ ما بود گفتم : تو شرف داری؟ او گفت: البته.

گفتم من کاغذی به زخم می‌نویسم فوری بدهید ببرند زیرا او و کودک ۱۱ ماهه من گناهی ندارند.

افسر مزبور قبول کرد و من کاغذی به خانمم نوشتم که مضطرب نباشد.

سه بار زندانی

پس از شهریور ۱۳۲۰ دکتر فاطمی را بدستور انگلیس‌ها در اصفهان زندانی کردند و چندی در زندان بود.

بار دوم «رزم آرا» او را بازداشت کرد و بار سوم «گارد شاهنشاهی» در کاخ سعدآباد.

باد عجیب

وزیر خارجه نقل می‌کند که دیشب هوا بسیار سرد بود باد عجیبی می‌آمد. به مهندس حق‌شناس گفتم: باد جنوب سیاست انگلیس‌ها را به کاخ سعدآباد می‌آورد! همه خندیدند. ساعت نیم بعد از نیمه شب بود در این وقت افسری آمد ما را سوار یک کامیون نظامی نمود و دو کامیون نظامی عقب و یک کامیون جلوی ما حرکت میکردند سروانی از گارد شاهنشاهی مرتباً بما می‌گفت آقای دکتر - فردای کارها معلوم نیست زیاد ناراحت نباشید - وزیر خارجه به او پاسخ میدهد: آنهاست که این صحنه را ایجاد کرده‌اند باید ناراحت باشند.

بهر حال ما را سوار کامیون کردند و از خیابان پهلوی بطرف شهر آوردند.

تیراندازی شد

بطرف شهر می‌آمدیم - قوایی که ما را می‌آورد به اتومبیلی برخورد نمود - به او ایست داد - چون اطاعت نکرد تیراندازی کردند ولی اتومبیل فرار کرد. تعجب این بود که باوجود حکومت نظامی هیچ کجا ممانعتی نمی‌شد. ما را به ستاد ارتش بردند. پرسیدم ما را بکجا می‌برید؟ زیرا خیال میکردم ما را پیادگان

عشرت آباد خواهند برد.

افسر محافظ ما گفت: سایرین را به باشگاه افسران برده‌اند و در آنجا از خانه شما بهتر وسائل پذیرائی آماده است!

مارا جلوی ستاد ارتش آوردند صدای کامیون‌ها عده‌ای را که روی پشت‌بامها خوابیده بودند بیدار کرد.

دو زن چه دیدند؟

دکتر فاطمی نقل می‌کند: دو نفر زن که خانه آنها نزدیک ستاد بود بوسیله تلفن به شهربانی و منزل نخست‌وزیر خبر می‌دهند که دکتر فاطمی را در یک کامیون سرباز دیده‌ایم در حالیکه از طرف چهار کامیون سرباز محاصره بوده است در این وقت یکساعت و نیم از نیمه شب می‌گذشته است که به نخست‌وزیر جریان را گزارش می‌دهند.

از دو طرف

این گزارش در حالی به نخست‌وزیر داده می‌شود که سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی (برادر دکتر نصیری معاون وزارت فرهنگ) بخانه ایشان مراجعه کرده و تقاضای ملاقات فوری برای کار محرمانه و دادن نامه که اظهار داشتند از طرف شاه آورده نموده و کاغذ را به نخست‌وزیر می‌دهند و نخست‌وزیر ساعت رسید کاغذ و تاریخ وصول را زیر نامه می‌نویسد:

او را بازداشت کنید

سرهنگ دفتری و سروان داورپناه محافظین منزل نخست‌وزیر که بیدار شده بودند تقاضای ملاقات فوری سرهنگ نصیری را بدکتر مصدق خبر می‌دهند.

نخست‌وزیر می‌گوید: فوری او را بازداشت کنید - زیرا در همین لحظه بوده است که گزارش‌های دیگری هم به دکتر مصدق می‌رسد.

خونسردی عجیب

دکتر مصدق خونسردی خود را بطرز معجزه‌آسایی حفظ می‌کند.

بلادرنگگ تسانکهاییکه جلوی کلانتری يك بودند خیابانهای اطراف خانه نخست‌وزیر را که در محاصره افراد سرهنگگ نصیری بود در اختیار می‌گیرند؛ قوایی که حالت آماده‌باش داشتند و همچنین نیروی کماندو و قوای تحت اختیار فرمانداری نظامی و شهربانی پایتخت را بدستور دکتر مصدق حفظ می‌کنند و تمام عملیات کودتاچیان را خنثی می‌نمایند.

اجازه ورود ندادند

وقتی دکتر فاطمی و حق‌شناس و زیرک‌زاده را به ستاد می‌آورند سرباز محافظ ستاد اجازه ورود نمی‌دهند. سربازهای گارد شاهنشاهی ایستادگی می‌کنند ولی قراول ستاد گل‌نگدن اسلحه خود را کشیده بحالت حمله قصد تیراندازی داشته است که ناچار سربازهای گارد سلطنتی از ورود منصرف می‌شوند.

نصیری را آوردند:

پس از مدتی سرهنگگ نصیری در حالی که دستگیر شده بود به ستاد آورده شد. دکتر فاطمی در این موقع از افسر محافظ خود می‌پرسد چه خبر است؟ افسر مزبور پاسخ می‌دهد جناب دکتر عرض کردم ارتش شهر را تصرف کرده است و خیال شما راحت باشد - ناراحتی شما تا فردا صبح بیشتر طول نخواهد کشید (منظور او از این حرف این بوده است که پس از انجام کودتا صبح امروز افراد مؤثر را کودتاچیان اعدام خواهند کرد و قدرت را در دست خواهند گرفت). بهر حال از ستاد ارتش دکتر فاطمی و وزیر راه و مهندس زیرک‌زاده را از جاده دیگر شمیران به سعدآباد می‌آوردند و افسر محافظ اجازه می‌دهد که آنها بخوابند - و بهمین جهت از منزل دکتر فاطمی که نزدیک کاخ سعدآباد است رختخواب برای آنها می‌آورند.

زدیم و نگرفت

دکتر فاطمی نقل می‌کند: من خواستم به روشویی بروم سربازها احترام گذاشتند و «حس کردم هنوز وزیر هستم» در این وقت افسری نزدیک من آمد و خواست

حرف بزند سربازی بحالت «آتش» ایستاده بود به او گفت:
از اطاق خارج شو - وقتی سرباز خارج شد افسر مذکور بدکتر فاطمی گفت:
شما شانس آوردید - گفتم چطور؟ - گفت زدیم و نگرفت.
در اینجا دکتر فاطمی نقل میکند که من فهمیدم اوضاع عوض شده است و کودتا
بلا نتیجه مانده زیرا معلوم شد بقیه افرادی که افسر محافظ انتظار توقیف آنها را
می کشد تا کنون که دو ساعت و نیم بعد از نیمه شب است بازداشت شده اند و اعمال
«گارد سلطنتی» را خنثی کرده اند.

تلفن ها قطع بود

سربازهای «گارد سلطنتی» میخواستند رادیو و مرکز فرستنده را تصرف کنند
اما دو تانک وعدهئی سرباز که محافظ مرکز بی سیم بودند جلوی این کار را گرفتند
ولی مرکز تلفن خانه بدست آنها افتاد و تمام تلفن های مورد نظرشان قبلاً قطع شده
بود.

قنداق تفنگ

۲۰ دقیقه به ساعت ۳ بعد از نیمه شب بود که صدای زنجیر تانکها بلند شد.
سرگردی وارد اطاق ما شد و محکم بحالت خبردار گفت: قربان امری ندارید؟
من باز هم فهمیدم «هنوز وزیر هستم».
مهندس حق شناس از درد کمر ناله میکرد زیرا سربازی باقنداق تفنگ از او
احوالپرسی کرده بود بهمین جهت افسری قرص مسکن آورد ولی حق شناس از
خوردن دارو خودداری کرد.
افسر مزبور گفت: خدا شاهد است که دواي مسکن است اگر می ترسید بدهید
من بخورم.

زیرک زاده خوابیده بود و تا میخواست صحبت کند سرباز محافظ او داد میزد
که حرف زن!
دکتر فاطمی از افسر محافظ خواش میکند که به سربازها بگوید مؤدب باشند

و این خواهش پذیرفته می‌شود.

شخص شاه

به ساعت نگاه کردم - چهار و چهل دقیقه بود از افسر حافظ خواه پرسیدم این جریان کار کی است؟ پاسخ داد غیر از شاه می‌خواهید کار چه کسی باشد. هوا روشن شد و من فکر می‌کردم اگر تا صبح برسد مردم سزای آنها را کف دستشان می‌گذارند و دمار از روزگارشان برمی‌آورند.

معان ستاد آمد

ساعت چهار و پنجاه دقیقه بود که سر تیپ کیانی یکه و تنها وارد اطاق ما شد و پس از معذرت زیاد گفت: اغفال شده بودند و از جسارتی که کرده‌اند من جداً معذرت می‌خواهم و استدعا می‌کنم بفرمایید بمنزلتان تشریف ببرید.

بگذارید بخواهم

دکتر فاطمی به سر تیپ کیانی گفت: تیمسار لطفاً اجازه بدهید من بخواهم زیرا ما را زیاد بیدار نگاه داشته‌اند. سر تیپ کیانی اصرار می‌کند و بعد دکتر فاطمی و مهندس زیرک‌زاده را بوسیله جیب‌های نظامی به منازلشان می‌رسانند و در این وقت تمام قصر و نقاط حساس را ارتش اشغال یا محاصره کرده بود.

به طرف منزل مصدق

دکتر فاطمی یکسر بمنزل نخست‌وزیر رفت و جلسه فوق‌العاده دولت تشکیل شد و اولین اطلاعیه دولت صادر و ساعت هفت و چند دقیقه صبح از رادیو پخش شد (متن اطلاعیه جداگانه چاپ شده است).

افسر محافظ خانه نخست‌وزیر چه دید؟

غیر از سرهنگ دفتری و سروان داورپناه افسری بنام سروان فشارکی نیز مأمورخانه نخست‌وزیر است.

او اینطور می‌گوید: در حدود نیم‌ساعت بعد از نیمه‌شب بود دیدم ۴ کامیون و ۲ جیب و یک زره‌پوش بطرف خانه نخست‌وزیر می‌آیند من تعجب کردم فوری

به تانگهائی که جلوی کلانتری يك نزدیک خانه نخست وزیر است دستور دادم کامیونهای مزبور را محاصره کنند و در خود منزل نخست وزیر هم سرهنگ نصیری بازداشت شد از طرف دیگر چون سرتیپ ریاحی معاون خود را (سرتیپ کیانی) برای سرکشی به باغشاه می فرستد او را در همانجا توقیف می کنند.

سرتیپ ریاحی از تأخیر سرتیپ کیانی تعجب می کند و بلادرنگ دستور می دهد نیروهائی که بحالت آماده باش هستند باغشاه را تحت نظر بگیرند.

در خانه دکتر فاطمی چه می گذشت؟

در اطاق خواب وزیر خارجه يك قرآن بزرگ خطی بالای سر اوست و در طرف دیگر عکس دکتر - مصدق دیده می شود افسری که با سربازها در خانه مانده بودند برای خانم دکتر که بی اندازه وحشت کرده بود قسم قرآن می خوردند که او زنده است و به او آزاری نرسانیده اند.

از طرف دیگر به اطاق خواب کودک ۱۱ ماهه او می روند و با کمال قساوت کودک شیرخوار را بیدار می کنند و از پرستار او می پرسند: این طفل چرا حرف نمی زند؟ پرستار وحشت زده می گوید: مگر شما مسلمان نیستید والله بخدا او یازده ماهه است و اصلاً حرف نمی تواند بزند.

می پرسند چرا پرستار او را عوض کرده اید ولی پرستار پاسخ می دهد والله من خبر ندارم.

سربازها در تمام اطاقها آمد و رفت کرده تمام اشیائی که روی میزها بوده است چاییده اند - حتی لباسهای پیشخدمت دکتر فاطمی را برده اند...

اولین ابلاغی که از طرف دولت ساعت ۷ صبح منتشر گردید

از ساعت یازده ونیم دیشب يك کودتای نظامی بوسیله افسران و افراد گارد شاهنشاهی بمرحله اجرا گذارده شد.

بدین ترتیب که ابتدا در ساعت مذکور نفرات نظامی مسلح به شصت تیر و اسلحه دستی وزیر امور خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک زاده را در شمیران توقیف

کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند ولی چون تیمسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بود به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت يك بعد از ظهر نصف شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیب ارتشی و يك زره پوش به منزل آقای نخست وزیر آمده بعنوان اینکه می خواهد نامه ای بدهد قصد اشغال خانه را داشته است ولی چون محافظین منزل آقای نخست وزیر مراقب کار خود بودند بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.

توطئه کنندگان قبل از توقیف اشخاص تلفنهای منازل آنان را قطع کرده و همچنین ارتباط تلفنی ستاد ارتش را با پادگان گارد شاهنشاهی باغشاه قطع و تلفنخانه بازار را بوسیله سرهنگ آزموده و همراهان مسلحش اشغال کرده بودند و معاون ستاد ارتش را که برای سرکشی به باغشاه رفته بود در همانجا توقیف نمودند و وزیر خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک زاده را از توقیفگاه سعدآباد ۴ کامیون نظامی مسلح به شهر آورده به ستاد ارتش بتصور اینکه همکارانشان قبل آنجا را اشغال کرده اند بردند ولی چون در آنجا وضع را مساعد ندیدند آنان را مجدداً به سعدآباد برده و در توقیفگاه گارد شاهنشاهی تا ساعت پنج صبح نگاه داشتند.

در این ساعت که نقشه کودتا بلا اثر شده بود تیمسار سرتیپ کیانی معاون ستاد ارتش که از توقیف باغشاه رهائی یافته بود به سعدآباد رفته آقایان را به منزلشان برگردانیدند.

مأمورین انتظامی از این ساعت ابتکار عملیات را بدست گرفتند و تا کنون چند تن از توطئه کنندگان دستگیر گردیدند. جریان این واقعه بطور تفصیل بعداً به استحضار ملت ایران خواهد رسید.

دستور ستاد ارتش

از طرف ستاد ارتش صبح امروز به کلیه فرماندهی های شهرستانها تلگراف شد تا اگر جریانی رخ داده است گزارش نمایند.

تلگراف‌های کلیه پادگانهای شهرستانها حاکی از این بود که وضع کماکان در کمال آرامش ادامه دارد و هیچگونه اتفاق سوئی نیفتاده است.

بازپرسی از کودتاچیان

سرهنگ نصیری - سرهنگ آزموده (برادر سرتیپ آزموده). ستوان یکم ریاحی در زندان دژبان زندانی هستند.

چهار نفر بازپرس دادرای نظامی سرگرد یارمحمد - سرگرد جمزاد - سروان بهزادی سروان دکتر میرفخرائی از ساعت ۸ صبح امروز از متهمین شروع به بازپرسی نمودند.

برای حفاظت سعدآباد

یکی از افراد گارد شاهنشاهی ظهر امروز در پاسخ سوال خبرنگار ما گفت دیروز عصر سرهنگ نصیری به افسران گارد گفته بود که چون دکتر مصدق میخواهد کاخ سعدآباد را اشغال کند لذا بایستی خود را کاملا آماده برای حفاظت و دفاع از سعدآباد نمایند.

سرباز دیگری می گفت از این جریان کلیه افسران گارد با اطلاع بودند.

تقاضای کارت عبور شب

ساعت ۱۱ دیشب سرهنگ آزموده به فرمانداری نظامی رفته و از مأمورین فرمانداری نظامی تقاضای صدور ۵۰ کارت عبور شب را می نماید.

مأمورین از دادن کارت عبور خودداری می کنند و آزموده مایوسانه فرمانداری نظامی را ترك می کند.

فرمانداری نظامی و خلع سلاح باغشاه

در ساعت يك بعد از نیمه شب به فرمانداری نظامی اطلاع رسید که عده ای به باغشاه رفته و آنجا را خلع سلاح نموده اند بلافاصله فرماندار نظامی تهران با چندین کامیون سرباز و تانک بطرف باغشاه می روند.

در کاخ سعد آباد

امروز هیچیک از رؤسای ادارات مختلف دربار که فعلاً در کاخ تابستانی سعد آباد می‌باشند به آنجا نرفتند.

شروع تظاهرات

بعد از انتشار خبر کودتای دیشب در شهر، در خیابانهای مرکزی شهر تظاهرات مختصری از طرف بعضی از دستجات آغاز گردید. دستجات افراطی مقارن ساعت ۹ صبح در خیابان اسلامبول شروع به دادن شعار نموده و ضمناً نطقهائی هم علیه دربار می‌کردند.

هرچه به ظهر نزدیک می‌شد تظاهرات دستجات رو به شدت می‌گذاشت بطوری که از ساعت یازده یکدسته صد نفری در خیابان اسلامبول شروع به دادن شعار نموده و در خیابانهای لاله‌زار و اسلامبول گردش می‌کردند.

متعاقب این جریانات دستجات ملی بابلندگوهای سیار به خیابانهای مرکزی شهر وارد شده و شروع به دادن شعار نمودند و بتدریج بلندگوهای دستجات دیگر در خیابان اسلامبول مشاهده شد و هر یک جداگانه شعارهای مختلف داده و مردم را علیه کودتاچیان تهییج می‌کردند.

در خلال این احوال کامیونهای مأمورین انتظامی کاملاً مراقب اوضاع بوده تا تصادمی بین دستجات مختلف روی ندهد.

چون هر لحظه تظاهرات رو به شدت می‌گذاشت بعضی از مغازه‌های خیابان لاله‌زار و اسلامبول که در مسیر متظاهرين بودند تعطیل کرده تا خسارتی متوجه آنها نشود عکاسخانه ساکو برق که پشت ویتترین آن عکسهای خانواده سلطنتی می‌باشد از صبح امروز که از جریان مطلع شد عکسها برداشته و در عکاسخانه را قفل نمود.

در مقابل منزل دکتر مصدق

از ساعت ۱۰ صبح عده زیادی از جمعیت‌های وابسته به دستجات ملی در مقابل منزل نخست وزیر اجتماع نموده و نسبت به دکتر مصدق ابراز احساسات می‌کردند

چون هر آن احساسات مردم نسبت به نخست وزیر شدت می یافت وزیر کشور که در منزل نخست وزیر حضور داشت بمقابل مردم آمده و از طرف دکتر مصدق از مردم اظهار تشکر نمود و متذکر شد که چون اجتماع در چنین موقع حساس در مقابل منزل نخست وزیر بصلاح نیست جمعیت متفرق شوند.

باید گفت که قبل از وزیر کشور نریمان نماینده سابق مجلس شورایی برای متظاهرین خیابان کاخ صحبت کرد.

چون از طرف وزیر کشور تقاضا شد که جمعیت متفرق شوند، متظاهرین با نظم و دادن شعار که باید بیدرنگ کودتاچیان بشدت مجازات شوند بخیبان اسلامبول و از آنجا بمقابل بازار آمدند و آنجا هم مجدداً از طرف مردم نطقهائی شد و مقارن ظهر جمعیت متفرق شده و خود را برای میتینگ ساعت ۵ بعد از ظهر آماده کردند.

بدنبال دعوت نامه هائی که قبلاً چاپ شد این دعوت نامه ها نیز تا ساعت ۲ بعد از ظهر منتشر شد.

در مرکز تلفن بازار چه گذشت؟

خبرنگار ما که برای کسب اطلاعات مبسوط راجع بطرز اشغال نظامی مرکز تلفن بازار بوسیله سرهنگ آزموده بمراجع و مسئول مرکز مزبور مراجعه کرده است چنین گزارش می دهد:

بطوری که معاون مرکز تلفن بازار اظهار می داشت در ساعت ۱۱ و ۴۰ دقیقه دیشب دو کامیون سرباز مسلح به تفنگ و مسلسل بفرماندهی سرهنگ ستاد آزموده در جلوی مرکز تلفن بازار از ماشین پیاده شده و بدرون محوطه آمدند.

در این موقع گروه بان نگهبان تلفن بازار که چند سرباز نیز در اختیار داشته است و بتازگی تعویض شده بود بدون ابراز مقاومت و حتی همدستی بانفراست مزبور به استقبال می آید و سرهنگ آزموده و سربازان را راهنمایی می کند.

سرهنگ نامبرده در حالیکه اسلحه لخت خود را در دست داشته به طبقه دوم که

مرکز اتصال کلیه تلفن‌های جنوب شهر می‌باشد وارد میشود و به متصدی مربوطه امر میکند که کلیه اتصال را از «فیوز» خسارج کند و درضمن تهدید میکند که اگر فرمان او را اطاعت نکند دستور دارد آنرا او را بقتل رساند.

کارگر متصدی کلید پس از مختصری تأمل جواب میدهد من بتنهائی مسئول اینکار نیستم و اجازه میخواهد همکاران را برای قطع جریان بکمک بطلبد سرهنگ بدون اینکه منتظر پاسخ کارگر مزبور بشود خود درصدد برمی‌آید که جریان را قطع کند ولی چون آشنا به دستگاه نبوده است موفق نمیشود و دو مرتبه بمتصدیان بوسیله تهدید با اسلحه فشار وارد می‌آورد که باید در عرض دو دقیقه تلفن‌ها را قطع نمایند متصدیان مربوطه با اینکه میدانستند جان آنها در خطر است معذاً تا آنجائیکه برایشان مقدور بوده است به معاذیر گوناگون مقاومت می‌کنند ولیکن چون اصرار شدید سرهنگ را می‌بینند چاره‌ئی جز انجام دستور آنان نمی‌بینند و کارگر مسئول کلید را از دستگاه خارج کرده و بنا بدستور سرهنگ بگروه‌بانی می‌دهد و گروه‌بان هم کلید را در نزد خود نگهداری می‌کند.

این جریان نیمساعت بطول می‌انجامد و مقارن یکربع بعد از نیمه شب کلیه تلفن‌های جنوب شهر و بازار از کار میافتد و این قطع جریان مدت ۲ ساعت تا ۲ و نیم بعد از نصف شب ادامه می‌یابد.

کشیك شبانه داشته‌اند...

نکته شایان دقت این موضوع است که بنا به اظهار یکی از متصدیان تلفن بازار چون در نظر است بزودی چهار هزار شماره منطقه بازار بکار افتد از این نظر دستدای از کارگران برای تسریع در جریان شماره اتصال‌های مزبور شبها نیز کشیك دارند و کار می‌کنند در صورتیکه سابقاً چنین کشیکی وجود نداشته است و نیز بطوریکه همان متصدی اظهار می‌داشت از سه روز قبل گروه‌بان نگهبان منطقه بازار تغییر کرده و گروه‌بان جدید تمایل شدیدی به گروه توطئه‌گران داشته است و می‌گفته اگر کار بدست ما بیفتد می‌دانیم چه کنیم و چه بلایی بسرمخالفین بیاوریم!!

ساعت دو و نیم خودشان می فهمند!

مقارن ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب سرهنگ آزمونده که بعد از قطع جریان تلفن و صدور دستورات لازم به گروه بانان و سربازان تحت فرمان خود با جیب ارتشی به نقطه دیگری عزیمت کرده بوده است مراجعت میکنند و به نفرات خود دستور میدهد فوراً کلیه سیم ارتباط را به کارگران تحویل داده و با کامیون‌ها به باغشاه حرکت کنند در تمام مدتی که سرهنگ آزمونده در محل منطقه تلفن بازار نبوده است سربازان کارگران تلفن را در نقطه گرد آورده و با تفنگ و سرنیزه از آنها محافظت می کرده‌اند تا مبادا کارگران بتوانند جریان را بجائی اطلاع دهند ولی وقتی توطئه گران نقشه خود را در نقاط دیگر شهر مواجه باشکست مشاهده می کنند از ادامه اشغال مرکز تلفن بازار نیز منصرف شده و همان طور که ذکر شد بنابستور فرمانده لایق خود سرهنگ آزمونده فرار را برقرار ترجیح داده و با عزیمت به باغشاه خود را از مخاطرات احتمالی نجات می دهند و جان سالم بدر می برند و گرنه در لحظات آخر که کارگران مبارز بقصد و نیت اصلی آنها واقف می گردند در صدد بوده‌اند با جان بازی دسته جمعی آنها را خلع سلاح کرده و ضرب شستی با منتهای شدت به آنها نشان دهند.

تظاهرات شدیدی از طرف مردم اهواز آغاز و بازار و دكا كین بسته شد گزارش تلفنی خبرنگار ما از اهواز حاکیست که صبح امروز بمحض شنیدن خبر کودتا از رادیو تهران بازار بسته شد و تظاهرات عظیمی از طرف مردم در خیابانها علیه کودتاچیان و به پشتیبانی از حکومت دکتر مصدق آغاز شد. اهالی بطرف تلگرافخانه رو آورده و ضمن تلگرافاتی که به مرکز مخابره کردند ابراز تنفر شدید از اعمال مشتی خائن بیوطن نموده و پشتیبانی خود را از حکومت ملی دکتر مصدق اعلام داشتند.

باختر امروز ۲۵ مرداد ۳۲

امروز مجلس هفدهم منحل شد

امروز اعلامیه‌ای از طرف نخست‌وزیر مبنی بر انحلال مجلس هفدهم بشرح زیر منتشر گردید
«بنابر اراده ملت ایران که بوسیله مراجعه به آراء عمومی اظهار شده بدینوسیله
انحلال دوره هفدهم مجلس شورایملی اعلام می‌گردد. انتخابات دوره هیجدهم
مجلس شورایملی پس از اصلاح قانون انتخابات و قانون تقسیمات کشور بزودی
انجام خواهد گرفت برطبق قانون اعلان خواهد شد».

دکتر محمد مصدق